

موسوی: مردم به دنبال آزادی و عدالت هستند



سبز
۲۲ بهمن سبز
۱۸ روز دیگر
همراه شو عزیز

تجمع در مقابل
دفتر سازمان ملل
متحد در ژنو
در اعتراض به
نقض حقوق بشر
در ایران

صفحه: ۹

راهپیمایی و تجمعات مسالمت آمیز، حق مردم است

* توصیه بنده به نیروهای انتظامی و بسیج مهربانی و ملامت با مردم است و توصیه من به طرفداران جنبش سبز آن است که تمایز خود را با بقیه مردم، چه کم و چه زیاد، کم کنند.
* ایرانی یعنی همه ایرانیان داخل و خارج علاقمند به اعتلای این سرزمین و فرهنگ دیرینه و باورهای دینی، آسمانی و رحمانی آن.
* حرکت سبز در هیچ مرحله ای دست از روش های مسالمت آمیز و اخلاقی خود در مبارزه برای احقاق حق ملت دست برنخواهد داشت.

۱۰	متهمان بی نام؛ مجرمان آشنا نوشابه امیری
۱۰	برادرکشی بس است شیرین عبادی
۱۱	۲۲ بهمن و سیاست سعید قاسمی نژاد

هشدار خاتمی به خامنه ای

صفحه: ۸

فراخوان رهبران جنبش سبز برای حضور در ۲۲ بهمن

صفحه: ۲

حکومت از حضور مردم هراسان شده

صفحه: ۲

برنامه کودتا چیان برای مهار راه پیمائی ۲۲ بهمن

صفحه: ۳

آیا ۲۲ بهمن تهران سقوط خواهد کرد؟

صفحه: ۴

ناشر



موسسین:

خانه فیلم مخملباف / نوشابه امیری
هوشنگ اسدی / فریبرز بقانی
محسن سازگارا / علیرضا نوری زاده
فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی:
شهرلا بهار دوست

اولین پیش شماره هفتم تیر ماه
هزار و سیصد و هشتاد و هشت



در همین ارتباط روز گذشته فرمانده سپاه محمد رسول الله تهران گفت: "اگر روز 22 بهمن فتنه گران قصد فتنه داشته باشند به مردم اطمینان می دهیم که اجازه نخواهیم داد تا فتنه گران وارد صحنه ۲۲ بهمن شوند. حسین همدانی همچنان با وجود گفتن اینکه "با توجه به خطراتی که مردم در حماسه ۹ دی به آشوب طلبان دادند، بعید است که فتنه گران در روز ۲۲ بهمن به صورت گسترده حضور یابند" نگرانی خود از حضور مردم در این مناسبت تاریخی را ابراز کرده و افزوده است: "البته دشمنان انقلاب اسلامی هیچ گاه آرام و قرار نخواهند گرفت و به دلیل به خطر افتادن منافعی که تنها روز ۲۲ بهمن بلکه در آینده نیز از تلاش خود برای ایجاد مشکلاتی برای ما دست نخواهند کشید.

همزمان با این اظهارات، سپاه محمد رسول الله تهران نیز که در جریان اعتراضات مردمی پس از 22 خرداد نقش گسترده ای در سرکوب مردم داشت با صدور بیانیه ای جدا از اظهارات فرمانده اش، از "تمام فرماندهان، مدیران و بسیجیان" درخواست کرد تا در راهپیمایی "دشمن شکن و مقتدرانه" 22 بهمن حاضر شوند.

سپاه تهران در قسمتی از این بیانیه که بیشتر از واژه های تهدید آمیز در متن آن استفاده شده، نوشته: "امت آگاه با حضور تاریخی خود در راهپیمایی 22 بهمن ماه بار دیگر ضمن تجدید میثاق با آرمان های ولای حضرت امام و تجدید بیعت با نائب بر حق امام زمان حضرت آیت الله العظمی خامنه ای حجت را بر همه تمام کرده و راهپیمایی 22 بهمن را به روز حماسی و غرور انگیز عبور از فتنه ها تبدیل خواهد کرد و همه فتنه گران و فتنه گردانان و اغتشاشگران را مقهور قدرت خویش ساخته و از آنان ابراز برائت خواهد کرد."

نگرانی از حضور مردم

در همین حال جانشین فرمانده ستاد کل نیروهای مسلح کشور هم طی اظهاراتی نگرانی نیروهای مسلح از حضور گسترده معترضان در روز 22 بهمن را آشکار کرد و گفت: "در 22 بهمن 88 ملت ایران بعد از حماسه 9 دی ماه با حضور میلیونی خود یک زلزله سیاسی 8 ریشتری را در مراکز فرماندهی دشمنان انقلاب اسلامی ایجاد می کند و صاحبان اتاق های فکر فتنه اخیر را برای همیشه ناامید و مایوس خواهد کرد."

غلامعلی رشید در عین حال افزود: "سرانی که بی ثباتی های ناشی از انتخابات را در داخل ایجاد و به آن دامن می زنند، زمانی که خودشان در قدرت بودند همواره بر این نکته از زاویه امنیت ملی تاکید داشتند که چنانچه افرادی و جمعی در داخل بی ثباتی ایجاد کنند و انسجام سیاسی - اجتماعی و وحدت جامعه را بر بستر بی قانونی هدف قرار داده و بر هم زنند، عمل آنان به سود دشمنان و به ضرر منافع ملت ایران است و از همه مهمتر بر این نکته تاکید داشتند که این گونه حرکات در داخل، باعث وسوسه دشمنان خارجی خواهد شد."

وی با این توضیح، به زمینه سازی برای سرکوب مردم در مناسبت های پیش رو پرداخته و تاکید کرده است: "چنانچه این آقایان خودشان در مسئولیت بودند هرگز یک دم این بی ثباتی و ناآرامی ها را تحمل نمی کردند و با شدت تمام برخورد می کردند." ابراز نگرانی فرمانده سپاه محمد رسول الله و

تلویزیون دولتی را تلاشی برای نگهداشتن معترضان در خانه در 22 بهمن ارزیابی می کنند. اما برگزاری دادگاه های مشابه و هشدار های مکرر به مخالفان ظرف چند ماه گذشته، نتوانسته است جنبش بی سابقه ایران را خاموش کند.

به نظر می رسد مخالفان خود را آماده نبرد و انجام اقدامات متعدد علیه دولت کرده اند. صدها عزادار در روز جمعه در قم و سایر شهرها گرد هم آمدند تا چهلمین روز درگذشت آیت الله العظمی منتظری را گرامی بدارند.

طرفداران مخالفان، وب سایت خبرگزاری فارس را هک کردند و تصاویری از راهپیمایی های مخالفان را در آن به نمایش گذاشتند. آنها هشدار می نهند که به سپاه پاسداران دادند. در پیام آنها آمده است: "ما بی شماریم. جنبش سبز شما را سرنگون خواهد کرد." آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی، روحانی نسبتاً میانه رو و رئیس جمهور سابق که گمان می رود به مخالفان نزدیک است، روز شنبه از ایرانی های متعلق به "تمامی جناح ها و گروه ها" خواست در مراسم امسال حاضر شوند. وی در عین حال هشدار داد، هرگونه اعمال خشونت به نفع منافع "دشمنان" ایران خواهد بود.

او در جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کرد: "من تمام مردم و گروه های سیاسی سراسر کشور را؛ با وجود اختلاف دیدگاه هایشان، به حضور... و تجدید پیمان با جمهوری اسلامی دعوت می کنم."

دو نامزد سابق انتخابات ریاست جمهوری که به چهره های پیشروی جنبش به اصلاح سبز مخالفان تبدیل شده اند، فراخوان آیت الله احمد جنتی در نماز جمعه گذشته، برای برخورد خشن با معترضان و از جمله اعدام آنان، را محکوم کردند. بر اساس گزارش دیدار آنها که در فیس بوک میر حسین موسوی و نیز وب سایت کروی قرار داده شده است، آنها گفتند: "جای تعجب است که می بینیم تریبون نماز های جمعه به ابزاری برای ترویج خشونت و دعوت به اعدام های بیشتر تبدیل شده است."

در صفحه فیس بوک میر حسین موسوی که توسط یکی از طرفدارانشان از آلمان به روز می شود، تصویر کم نظیری از این دو اصلاح طلب سیاسی در منزل مهدی کروی قرار داده شده است. در این تصویر، چای و خرما بر روی میزی در مقابل شان دیده می شود.

منبع: روز آن لاین

تهدید برای عدم حضور در راهپیمایی 22 بهمن آغاز شد

حکومت از حضور مردم هراسان شده

با نزدیک شدن به 22 بهمن و در حالی که معترضان به دولت مستقر تدارک گسترده ای برای حضور در سالروز پیروزی انقلاب ایران دیده اند، فرماندهان نهادهای نظامی و انتظامی و همچنین حامیان محمود احمدی نژاد با اظهار نظرها و صدور بیانیه های مختلف، ضمن ابراز نگرانی از این موضوع با اظهاراتی تهدید آمیز که در رسانه های دولتی بطور گسترده ای منعکس شده است سعی در ابراز معترضان و جلوگیری از حضور گسترده مردم در راهپیمایی این روز دارند.



نگاه لوس آنجلس تایمز به تحرکات جدید رهبران مخالف

فراخوان رهبران جنبش سبز برای

حضور در ۲۲ بهمن

رهبران جنبش مخالف از یک سو و نهادهای تندروی کشور از سوی دیگر، به رویارویی چند ماهه خود شدت بخشیدند: مخالفان خواستار به خیابان آمدن معترضان در سالگرد انقلاب در هفته آینده شدند و دستگاه قضائی نیز 16 نفر از معترضان را به دادگاه کشاند.

میرحسین موسوی و مهدی کروی نسبت به اعدام "شتابزده" دو ایرانی در هفته گذشته عمیقاً ابراز نگرانی کردند. اعدام این افراد، به عنوان تلاشی برای ارباب مردم پیش از رویارویی قابل انتظار در 22 بهمن ماه، سی و یکمین سالگرد تأسیس جمهوری اسلامی در سال 1357، تفسیر شده است.

"دعوت" رهبران مخالف از مردم برای سرازیر شدن به خیابان ها، نشان از رویکرد جدید خطرپذیری آنها دارد. هیچیک از این دو رهبر، از مردم برای شرکت در تظاهرات روز عاشورا در 27 دسامبر دعوت نکرده بودند. مراسم روز عاشورا به صحنه رویارویی نیروهای امنیتی و تظاهرکنندگان تبدیل شده بود.

از سوی دیگر، یک مقام ارشد ایران نسبت به عواقب وخیم شرکت در هرگونه مراسمی به جز راهپیمایی دولتی مراسم سالگرد انقلاب هشدار داده است. این مراسم به طور سنتی با شعارهای ضد آمریکائی و ضد اسرائیلی همراه می شود.

سردار حسین همدانی فرمانده سپاه پاسداران تهران به خبرگزاری سپهر، وب سایت نظامیان کشور، گفت: "هرکسی که صفوف مردم را به هم بزند، عامل خارجی محسوب خواهد شد. هر رنگ و صدائی به جز صدای جمهوری اسلامی تحمل نخواهد شد و اگر اقلیتی دست به چنین تلاش هائی بزند، به شدت با آنها برخورد خواهد شد."

یک سردار دیگر سپاه پاسداران به نام علی محمد نائینی نیز به خبرگزاری فارس گفت، مسؤولان قصد دارند تعداد حامیان دولتی در راهپیمایی امسال را دو برابر کنند. این کار احتمالاً با آوردن افراد از استان های دیگر و پرداخت پول و غذا به آنها انجام خواهد شد.

در همین حال، 16 نفر از معترضان که در میان آنها دو زن نیز وجود دارد، روز شنبه به اتهام توطئه در برابر حکومت اسلامی و همکاری با دشمنان خارجی کشور دادگاهی شدند.

به گفته دادستان، تمامی این شانزده نفر به جاسوسی و مشارکت در تجمعات "ضد انقلاب" با هدف انجام بمبگذاری، ترور، توزیع اعلامیه، به آتش کشیدن اموال و شعار نویسی اعتراف کرده اند. بسیاری از مردم، دادگاه های به نمایش درآمده در

راههای سبز



رهانیده و به نوعی معامله و سازش با غریبهها تن دهد تا چند صباحی بیشتر بقایش را تضمین نماید. حوادث 8 ماه گذشته نشان می دهد که حکومت همواره در پیشبرد نقشه هایش ناکام بوده و دلیل آن نیز هدف باطلی است که دنبال می کنند، همچنین همواره مردم و ابتکارات و استعدادهای آنها را ندیده گرفته اند. ریشه این ناکامی ها این است که از انتخابات خردادماه به بعد، سپاه با کودتای خود نه تنها رأی مردم را بی ارزش تلقی نمود بلکه با کنار زدن همه جناحهای دیگر حکومت از جمله میانه روها و وزارت اطلاعات و نیروهای با تجربه سیاسی حکومت، قدرت را بطور کامل بدست خود گرفته و همه سنگرهای قدرت را فتح کرد. به فاجعه رسانیدن اوضاع حکومت و در لبه پرتگاه سقوط قرار دادن آن، از برکات تفرکات سرداران فاتح است. نقطه مثبت 22 بهمن برای سبزها نیز این است که همه طراحی و برنامه ریزی را سرداران نابغه سپاه انجام داده اند.

قدرت فرماندهی و تدبیر فرماندهان سپاه را در جنگ 8 ساله بروشنی می توان دید، عملیاتیهای متعدد بی حاصل و ناکام، همراه با تلفات انسانی سنگین و سرانجام تسلیم در برابر ارتش عراق و نوشیدن و نوشاندن جام زهر در شرایطی که حتی یک وجب از خاک عراق در اختیار ما نبود و در عوض هزاران کیلوتر مربع از خاک ایران زیر چکمه های بعثیون بود. افتخار بزرگ فرماندهان سپاه این است که یک لشکر را به خط می زدند و یک گروهان برمی گرداندند!

نگرانی سرداران این است که تجربه سال 1989 رومانی در میدان آزادی تکرار شود، ولی این را نمی فهمند که راه حل، بستن خیابان آزادی نیست. سبزها همه جا هستند، «سبز» یک حزب یا گروه نیست، «سبز» امید به فردا است که در دل همه ایرانیان شرافتمند و آزاده جای دارد و «سبزها» همه جا هستند. بستن خیابان آزادی برای سد کردن سبزها مثل این است که بخواهند جلوی نور خورشید را بگیرند.

قرار نیست ما بازیگر سناریوی سرداران باشیم، ایشان هر چقدر مایلند بروند خیابان آزادی را متر کنند و جای خاکریزهایی که می خواهند بزنند را شناسایی کنند و روی نقشه، محل استقرار گردانهایشان را علامت بزنند، ولی بدانند که میدان آزادی در 22 بهمن سبز سبز خواهد بود و پُر از فریاد مرگ بر دیکتاتور و زنده باد آزادی.



پدر عروس آیت الله خامنه ای و همچنین رییس کمیسیون فرهنگی مجلس با تکرار گفته های اخیر رهبری درباره "موضع گیری های خواص" و اینکه "به هیچ کس باج نمی دهیم" درباره حضور معترضان در راهپیمایی 22 بهمن افزود: "هر کس که بخواهد در راهپیمایی 22 بهمن و در این روز بزرگ راهی جدا از راه ملت را انتخاب کند، باید بداند که در میان ملت ایران منزوی خواهد شد." این همه برآشفتگی، ابراز نگرانی و تهدید برای جلوگیری از حضور گسترده مردم در حالی است که تاکنون چهره هایی مانند میرحسین موسوی، مهدی کروبی، محمد خاتمی و آیت الله هاشمی رفسنجانی از مردم خواسته اند در مناسبت های سالگرد پیروزی انقلاب ایران، به ویژه راهپیمایی 22 بهمن ماه حضوری گسترده داشته باشند.

برنامه کودتا چنان برای

مهار راه پیمائی ۲۲ بهمن

سپاه در صدد غافلگیر کردن جنبش سبز در روز 22 بهمن است. مسیر خیابان آزادی بدون اطلاع قبلی از سحرگاهان 22 بهمن بطور کامل بسته خواهد شد. تلاش سپاه این است که تمام ورودیهای به خیابان آزادی در حد فاصل میدان انقلاب تا میدان آزادی را بسته و از هرگونه ورود جمعیت به داخل خیابان آزادی و بهم پیوستن آنها جلوگیری نماید.

جمعیت دولتی از غرب و جنوب میدان آزادی به این مکان آورده خواهند شد و هدف حکومت جلوگیری از هر گونه دسترسی سبزها به میدان آزادی و برگزاری نمایش دولتی و مخابره آن به رسانه های جهان و اعلام ختم اعتراضات و نابودی جنبش سبز است. میهمانان خارجی دهه فجر و خبرنگاران خارجی، تحت نظارت و برنامه ریزی قبلی از مسیر شمال میدان آزادی وارد میدان شده و در جایگاه ویژه مستقر شده و فقط امکان مخابره آنچه می بینند را دارند. برای پر کردن میدان آزادی نیاز به دوپست هزار نفر است و حکومت امیدوار است که با برنامه ریزیهای انجام داده و بکارگیری جمعیت دولتی و براه انداختن نهضت اتوبوسی، بتواند این جمعیت را فراهم نموده و به نمایندگان رسانه های بین المللی وانمود نماید که همه جمعیت ایران موافق نظام بوده و دیگر اثری از جنبش سبز باقی نمانده است.

اهمیت ویژه 22 بهمن برای حکومت از این جهت است که پس از وقایع روز عاشورا، موج نوینی در حمایت از جنبش آزادیخواهانه مردم ایران نزد افکار عمومی دنیا بوجود آمد که به سرزنش کردن دولتهای اروپایی و آمریکا و سایر کشورها پرداختند که چرا بجای قرار گرفتن در کنار ملت ایران، در پشت درهای بسته به معامله و سازش با حکومت منفور ایران مشغول هستند. در کشورهای اروپایی فشار افکار عمومی شدت بیشتری دارد و احزاب سیاسی بشدت وابسته به حمایت مردم هستند تا بتوانند در قدرت باقی بمانند. در حقیقت بسیاری از دولتهای جهان منتظرند تا با فرآیند حاصله از 22 بهمن نسبت به نحوه رفتار خود با حکومت ایران تجدید نظر نمایند.

حکومت هم بخوبی می داند که بحران داخلی همچنان پایرجاست و بزودی قادر به مهار آن نیست ولی تلاش دارد تا با راه اندازی نمایش 22 بهمن؛ بتواند خود را بنحوی از تیررس تحریم های دردنک

همچنین جانشین رییس ستاد کل نیروهای مسلح از حضور گسترده مردم در 22 بهمن و تهدیدهای تلویحی آنها در شرایطی است که چند روز پیش از این فرمانده نیروی انتظامی کشور نیز طی اظهاراتی در آستانه مناسبت های 10 روزه بهمن ماه و احتمال حضور معترضان در آنها اعلام کرده بود: "آستانه تحمل مردم و نظام در قبال ناامنی ها و بی حرمتی به اعتقادات جامعه رو به پایان است و اگر تا کنون نظام حوصله کرد تنها برای این بود که حقایق آشکار شود که آشکار نیز شد."

اسماعیل احمدی مقدم با اشاره به اینکه "حوادث روز عاشورا بسیاری از چیزها را آشکار کرد" گفته بود: "در روز عاشورا عده ای به نیروی انتظامی اعتراض کردند که چرا برخورد نکرد و کتک خورد. جواب ما این است که ما برای حفظ حرمت این روز حرمت شکنی نکردیم و حقیقت در روز عاشورا برای همه مردم مشخص است."

وی همچنین در ادامه افزوده بود: "اما امروز آنهایی که دشمن را یاری کرده و تشویق می کنند برای مردم ما شناخته شده اند و دیگر جایی برای مدارا کردن و کوتاه آمدن با آنان وجود ندارد."



ترس حامیان و تهدید مردم

ابراز نگرانی از حضور گسترده مردم معترض در روز 22 بهمن اما تنها به مقامات نظامی و انتظامی خلاصه نمی شود چرا که در روزهای اخیر بسیاری از نزدیکان و حامیان محمود احمدی نژاد نیز وارد معرکه شده و در این باره اظهاراتی کرده اند.

داود احمدی نژاد، برادر محمود احمدی نژاد در همین باره طی اظهاراتی در آستانه 22 بهمن گفت: "برای اینکه ما به دشمنان و عوامل نفوذی آنها در داخل کشور اعلام کنیم که ما سرباز ولایت هستیم و انقلاب اسلامی را با تمام وجود دوست داریم همه ملت باید در 22 بهمن در صحنه باشند."

برادر احمدی نژاد که پس از برکناری از بازرسی نهاد ریاست جمهوری، به دبیری سازمانی به نام «پدافند غیرعامل کشور» منصوب شده، همچون فرماندهان سپاه و نیروی انتظامی نتوانسته نگرانی خود را از حضور گسترده معترضان در 22 بهمن ماه مخفی کند و در جملاتی پیچیده افزوده است: "هر چند که دشمنان همیشه به فکر توطئه و ضربه به انقلاب و نظام هستند ولی در 22 بهمن اتفاق خاصی در داخل کشور نمی افتد. چون ما در مسیر اولیاء و انبیای الهی حرکت می کنیم و در این مسیر نیز باید منتظر هر حادثه ای باشیم علی رغم اینکه 22 بهمن هیچ اتفاقی از طرف دیگران نخواهد افتاد."

درکنار گفته های برادر احمدی نژاد، غلامعلی حداد عادل نیز در همین باره گفت: "ملت ایران با حضور باشکوهتر از حماسه 9 دی در 22 بهمن حاضر شده و بیعت مجدد خود را با ولایت فقیه و مقام معظم رهبری اعلام کند."



در ایران

موسوی: مردم به دنبال آزادی و عدالت هستند

میر حسین موسوی در مصاحبه با سایت کلمه در باره مسائل روز پاسخ داد. خلاصه شده این گفت و گو را می خوانید.

در آستانه سی و یکمین سال انقلاب اسلامی هستیم. آیا می توانیم از یادآوری و بزرگداشت روزهای پیروزی انقلاب استفاده ای برای امروز خودمان ببریم؟

هزاران کتاب و مقاله نوشته شده و هنوز هم نوشته می شود. آنچه امروز جالب است که انتخابات اخیر و حوادث بعد از آن دوباره انقلاب اسلامی را در معرض نقد های جدیدی قرار داده است.

بعضی از این نقد ها بیشتر به مشابه سازی گرایش دارند، بعضی از آن ها روی تفاوت ها و مشابهت ها تاکید می کنند و بعضی دنباله ریشه های نهضت سبز در انقلاب اسلامی هستند. به هر حال این نقد ها فوق العاده مفید اند به ویژه برای نسل جوان که شور اصلی حرکت سبز از آنهاست.

آنچه بسیار مفید است همان اول این گفتگو به آن اشاره کنم آن است که در سال ۵۷ همه مردم یکپارچه در صحنه انقلاب بودند.

می توان گفت فروپاشی رژیم شاهنشاهی اجتناب ناپذیر بود؟

رژیم مشروعیت خود را به طور کامل از دست داده بود. البته کشتار های خیابانی در تسریع این روند نقش عظیم داشت؛ مخصوصاً کشتار هفده شهریور تعیین کننده بود. اگر کمی دورتر برویم می توان به قطع و یقین گفت که اگر پهلوی ها به میراث مشروطیت خیانت نمی کردند رژیم شاهنشاهی با اصالت رای مردم و نقشی که قانون اساسی مشروطه بر عهده شاه گذارده بود، می توانست مثل بعضی از کشورها ادامه پیدا کند. در این زمینه از همان اول به حکومت

پهلوی ها تذکرات جدی داده شد و حتی کسانی مثل شهید مدرس تا پای جان در این زمینه مقاومت کردند.

ولی همه این مقاومت ها و تذکرات بی فایده بود و به فاصله کمی از انقلاب مشروطیت نظام استبدادی این بار در شکل شبه تجدید گرایانه باز تولید شد. استمرار نسبتاً طولانی پهلوی ها در حکومت نشان می دهد که در انقلاب مشروطیت ریشه های استبداد خود کامگی بطور کامل از بین نرفت و این ریشه ها در قالب های فرهنگی، اجتماعی و ساختاری اجتماعی به حیات خود ادامه دادند. بنده یادم هست که رژیم شاه در آن سالها از یک عکس برای تبلیغات بسیار استفاده می کرد و آن عکس یک رعیتی بود که به زمین افتاده بود و کفشهای شاه را می بوسید. این عکس از نظر آنها نشان پیوند شاه و ملت بود و عاقلان البته در این عکس چیز های دیگری می دیدند.

عواملی که باعث بازتولید رژیم های استبدادی در ایران می شد آیا با انقلاب اسلامی از بین رفته است؟

در سالهای اول انقلاب اسلامی اکثریت مردم قانع شده بودند که انقلاب همه ساختارهایی را که می توانست منجر به استبداد و دیکتاتوری شود از بین برده است و من هم یک نفر از این جمع بودم. ولی

روز عاشورا و بزانو در آمدن نیرو های گارد نیز ابهت پوشالی حکومت را در هم شکسته است.

اما نکته ای که بارها و بارها در این سفر از افراد مختلف پرسیدم این بود که با وجود گسترده بودن نارضاقتی، چرا حرکت های اساسی و عمیقی در شهرستانها دیده نمی شود؟ پاسخ همواره قانع کننده و عاقلانه بود، می گفتند که بدون فعالیت نیستیم ولی سرنوشت کار در پایتخت تعیین خواهد شد، همانگونه که در نبردهای خیابانی بهمن ۵۷ در تهران، در شهر های دیگر حتی یک گلوله هم شلیک نشد.

زیباترین تحلیل را یکی از دوستان قدیمی در ذفول بیان کرد، وی می گفت در زمان جنگ هم این بچه های تهران بودند که خط شکن بودند و سرنوشت جنگ را نیز همانها تغییر دادند. هنگامی هم که به روند جنگ و سیاسی کاری مسئولین معترض شدند و از خط شکنی کنار کشیدند، حکومت ناچار به پذیرش قطعنامه شد و خونریزی ها بی پایان رسید. امروز هم چشم همه به خط شکنهای تهران است تا همانگونه که خرمشهر را آزاد کردند، تهران را نیز آزاد کنند.

تب سنگینی که ایران فرا گرفته جز با سقوط اشغالگران فروکش نمی کند. مردم در روز عاشورا نشان دادند که اجازه اعمال خشونت از سوی حکومت را نمی دهند، متقابلاً جانبداران حاکم نیز در حال بکار بستن همه رذائلهای ممکن تا قبل از ۲۲ بهمن هستند و می خوانند نیروهایشان را از سراسر کشور به تهران بکشاند تا روز ۲۲ بهمن روزی فراموش نشدنی و تاریخی در این سرزمین شود. خط شکنها بار دیگر در ۲۲ بهمن در برابر قاتلین و متجاوزین صف خواهند بست.

رخشان بنی اعتماد پس از دریافت جایزه جشنواره جهانی ونسن فرانسه:

این جایزه را تقدیم می کنم به تمام

مادران عزادار وطنم



پنجمین دوره جشنواره جهانی «حفظ میراث سینما» که به یادبود پدر سینما تک فرانسه «هانری لانگ لو» نامگذاری شده است، در شهر ونسن فرانسه با حضور بزرگان سینمای جهان روز گذشته اول فوریه به کار خود پایان داد.

بزرگانی از عالم سینما هم چون کلودیا کاردیناله و ماریزا برونسون و کارگردانان شناخته شده ای چون جان پبیر موهک، کلود بینوتو و ولادیمیر کوسما آهنگساز برجسته در این جشنواره معتبر حضور داشتند. رخشان بنی اعتماد کارگردان نامدار و برجسته سینمای ایران برای مجموعه آثار سینمایی اش توانست جایزه معتبر «هانری لانگ لو» را از آن خود کند. او هنگام دریافت جایزه خود از رئیس جشنواره ونسن اعلام کرد: «من این جایزه را تقدیم می کنم به تمام مادران عزادار وطنم».

طی پنج سال گذشته این دومین بار است که چنین جایزه ای به یک کارگردان سینما تعلق می گیرد.

آیا ۲۲ بهمن تهران سقوط خواهد کرد؟



تیرماه سال ۱۳۵۷ شگفت ترین سفر عمرم را به شهر های نیمی از میهنم انجام دادم، در حالی که نوجوانی بیش نبودم.

سفری تلخ و شیرین بود. شیرینی سفر در این بود که شهر های زیادی را برای اولین بار می دیدم و با مردمانی مختلف و فرهنگهایی متفاوت برخورد می کردم، و تلخ بود بخاطر اینکه سرخورده و مأیوس به تهران بازگشتم. در آن ایام تازه جرقه های اولیه تظاهرات در قم و تبریز زده شده بود و در تهران نیز حرکت هایی صورت پذیرفته بود ولی سرکوب شدید حکومت، اوضاع را مجدداً عادی ساخته بود. در سفری طولانی که به شهر های ایران زمین داشتم با این واقعیت تلخ مواجه شدن که نه تنها اثری از اعتراضات و نارضاقتی ضد حکومتی نیست بلکه اکثریت مردم از رژیم پهلوی تمجید می کردند. برای رشد و پیدایش یک انقلاب، کویری بیش ندیدم.

دوستان همکلاسی ام در تهران، یک جمع مهربان چهار رفیق صمیمی، مشتاقانه منتظر خبر های من از این سفر بودند و من خبر های خوشی برایشان نداشتم. آنچه من در سفرم دیده بودم، امید به هرگونه انقلاب و خیزشی را در حد یک رویا پائین می آورد. ولی در ماههای بعد و بخصوص در نیمه دوم سال ۵۷ آن اتفاقات باور نکرده ای افتاد که همه می دانیم، همه چیز بسرعت عوض شد و تحولاتی غیرمنتظره رخ داد.

اینک ۳۱ سال پس از آن ایرانگردی تاریخی، بار دیگر از سفری طولانی باز می گردم که در آن شهر های زیادی را دیدم و با مردمان بسیاری به صحبت نشستم. اینبار دیگر آن نوجوان احساساتی و کم حوصله و عجول، جایش را به فردی میانسال داده بود که کمترین عجله و شتابی برای انقلاب نداشتم. آن ۳ دوست عزیز و دوست داشتنی ام هم دیگر در این دنیا نیستند که در تهران بانتظارم نشسته باشند، ولی در عوض، نوابم را هزاران هزار ایرانی آرزودخواه خواهند شنید.

این سفر برایم شگفتی کامل بود، دور از انتظار و غافلگیر کننده. آنچنان نفرتی از رفتار حکومت در سراسر ایران پرانگنده شده که قابل تصور نیست. باور من این بود که نقطه تقل جنبش در تهران و برخی شهر های بزرگ است و در شهرستانها و شهر های دیگر، جنبش اعتراضی هنوز بقدر کافی فراگیر نشده است، باوری که با واقعیت موجود تفاوتی بسیار داشت. در بندرعباس و جزیره هرمز و میناب، همان مردمی را دیدم که در یزد و جیرفت دیده بودم. مردم آباد و کازرون و برازجان همان حرفی را می زدند که در شیراز و بوشهر شنیده بودم. در بهبهان و ماهشهر و شوشتر مردم همان اطلاعاتی را داشتند که در ذفول می توان شنید. با وجود اینکه دسترسی به اینترنت در شهرستانها بشدت دشوار و محدود است، برایم عجیب بود که مردم اطلاعاتشان به روز بود و بسیاری از فیلمهای مربوط به جنایات حکومت را دیده بودند روحیات مردم و اعتراضاتشان، اعتقاد عمیق آنها به تقلب در انتخابات، و از همه چشمگیرتر، نفرتشان از حاکمیت، همسنگ و همتراز نفرت مردم پایتخت از جانبداران حاکم بود. ادعا ندارم که با همه مردم صحبت کرده باشم، ولی اعتقاد دارم پاندازه کافی و با تعدادی قابل ملاحظه همصحبتم بودم، آنقدر کافی که بتواند سبب تحیرم شود.

می توان با قطعیت گفت که حماقت حکومت در روز عاشورا در حقیقت مثابه تیر خلاصی بوده که به خودش زده و آخرین بقایای تردیدهای مردم نسبت به خبثات این رژیم را از بین برده است. مقابله مردم با جانباختن و قاتلان



راههای سبز

قوه قضاییه با باصلاح ضابطین خودش است. باید دید قضایاها فرمان می دهند و تصمیمی می گیرند یا نیروهای انتظامی و امنیتی؟ قوه قضاییه ای که در قانون اساسی به صورتی قوی بر استقلال آن تأکید شده است امروز باید دید که اختیاراتش تا چه حد است؟ تا چه مقدار شأن و منزلت آن مراعات می شود؟ به نظر من یکی از مظاهر بارز ادامه روحیه استبدادی را در مظلوم واقع شدن قوه قضاییه و مجلس می توان مشاهده کرد. آیا امروز قوه قضاییه و قوه مقننه می توانند از همه اختیاراتی که قانون اساسی برای آنها تعیین کرده است، استفاده کنند.

مشابهتی که انتخاباتها هم با انتخابات آن دوره پیدا می کند یکی دیگر از این نشانه ها است. شما شیوه رای گیری مجلس اول انقلاب را با الان مقایسه کنید تا ببینید ما به جلو حرکت کرده ایم یا به گذشته؟ از مطالبات همیشگی جامعه که در شعارهای تشکل های سیاسی بازتاب داشته است عدالت اجتماعی، بویژه عدالت اقتصادی بوده است. گاهی دیده شده است که آزادی و عدالت در مقابل هم قرار داده شده اند. می توان گرایش خاصی را در جنبش سبز تشخیص داد....

مردم در مشروطیت عدالت می خواستند و از دل عدالت، خواست آزادی هم متولد شد تا آنجا که تاریخ اندیشه بشری نشان می دهد خواست عدالت همیشه مطرح بوده است حتی بعضی از حکما و اندیشمندان عدالت را جمع همه فضیلت ها و یا مادر همه فضیلت های دیگر دانسته اند. من گمان نمی کنم که ما مجبور باشیم میان عدالت و آزادی یکی از آنها را انتخاب کنیم. بطور عینی و ملموس شما توجه کنید که خط فقر هشتصد و پنجاه هزار تومانی و وجود توأمان تورم و بیکاری، دارند درخواست آزادی را محدود می کنند.

درست در همین نقطه است که طمع سیطره و مهار خواستهای آزادی خواهانه مردم بروز و ظهور پیدا می کند. در کوچکتر شدن سفره مردم است که توزیع سیب زمینی و اقتصاد صدقه ای برای جلب آرا و خواسته های مردم مورد توجه قرار می گیرد. بررسی وضعیت موجود کشور نشان می دهد که امروز گره خوردن خواست برای عدالت بویژه عدالت اقتصادی با خواست برای آزادی سیاسی یک ضرورت است.

در سالهای قبل از انقلاب، دفاع نیروهای انقلابی و جامعه دانشگاهی از افشار ضعیف یک اصل بود و متصف بودن به همنشینی باکارگران و حقوق بگیران و افشار مستضعف یک افتخار بحساب می آمد. به نظر بنده از نکاتی که همه ما باید به آن توجه کنیم حمایت از منافع افشار زحمت کش است، البته نه برای آنکه از این افشار به صورت ابزاری استفاده شود بلکه با این قصد که سرنوشت جنبش با سرنوشت همه آحاد ملت بویژه دو قشری که تولید اقتصادی و تولید علمی دارند یعنی کارگران و معلمان و دانشگرایان گره بخورد. بنده به دلیل آنکه مشکلات حاد سیاسی باعث شده است مشکلات افشار پایین دست جامعه و حقوق آنان کمتر مورد توجه قرار گیرد، ناراحت هستم. وقتی معیشت مردم سامان پیدا می کند، هم ریشه های آزادی در جامعه عمیق تر می شود و هم وحدت و رشد و شکوفایی مردم بیشتر می شود.

امروز کسانی که مسئول شور بختی مردم و عقب ماندگی ملی ما هستند و کسانی که مسئول تورم و بیکاری و ویرانی اقتصاد کشور هستند، مسئول

عبور می دهد و باقیمانده تفاله های خود کامگی را از بین می برد و زمینه را برای زیستن در فضای آزاد توأم با احترام به تنوع و تکثر و آزادی اندیشه ها و کرامت ذاتی انسان فراهم می سازد. بنده اعتقاد دارم، آن قرانت از اسلام که مردم را خس و خاشاک و بزغاله و گوساله می نامد و مردم را قسمت قسمت می کند تا عده ای بجان عده ای دیگر ببینند، متأثر از فرهنگ شاهنشاهی است. سزاوار بود که قوه قضاییه بجای اعدام چند جوان و نوجوان، که شایعات جدی در مورد نحوه اعتراف گیری از آنها وجود دارد، به این ریشه ها توجه می کرد.

گر چه همانطور که اشاره کردم ما کاملاً از قوه قضاییه قطع امید کرده ایم و قوه قضاییه ای که فرزندان فرهیخته، آزادیخواه و مومن شهید بهشتی و از ایخواهان دیگر امثال او را زیر عکس پدش در راهروهای دادسراها می نشاند، خیلی از اهداف تعریف شده انقلاب دور شده است.

امروز زندانها را پاکترین فرزندان ملت پر کرده اند؛ از دانشجویان و اساتید و دیگر اقشار. مطابق فرمول های مندرس شده ای به دنبال پرونده سازی برای آنها هستند با پرونده هایی مالی یا جنسی یا جاسوسی. در حالی که منحرفان واقعی و غارتگران بیت المال در بیرون از زندانها مشغول جولان هستند. آنها به جای آنکه دنبال جاسوسان واقعی باشند انسان های شریف و مومن را به جاسوسی متهم می کنند. جا دارد در اینجا بنده از همه مشاوران پاک و فداکار و فرهیخته خود که همگی دستگیر شده اند و در محبس عدالت آقایان گرفتارند دفاع نمایم و شرمندگی خود را از اینکه کنار آنها نیستم ابراز کنم. این روزها شبی نیست که بنده به امام و شهید بهشتی و دیگر شهیدان عزیز فکر نکنم و با آنها نجوا نکنم که شما چه می خواستید و امروز ما به کجا رسیده ایم. از مشاوران خود نام نبردم تا احترام خود را به همه زندانیان سیاسی ابراز کرده باشم. ایران نام و فداکاری همه این عزیزان را حفظ خواهد کرد.

آیا از ظهور و بروز روحیه استبدادی در رفتار مسئولان می توانید مثال بیاورید؟

نمود این روحیه و باقی مانده آثار رژیم مستبد تاریخی را در همه جا در کنار روحیه برآمده از آگاهی و آزادی می توان دید. ولی شاید برترین نمونه را در به هم خوردن روابط منطقی و قانونی ارکان نظام مشاهده می کنیم. الان به طور واضحی دیده می شود که زور مجلس در مواردی که جزء وظایف آن است به دولت نمی رسد. این فقط گفته مخالفان دولت نیست. اصول گرایان منصف و آگاه از این مسئله می نالند. عدم پاسخ گویی در موارد اعلام شده دیوان محاسبات عمومی، روشن نبودن نحوه فروش نفت و شیوه های هزینه کردن آن، بی اعتنایی به برنامه چهارم و ویران کردن دستگاه برنامه ریزی برای فرار از حساب و کتاب و الخ موارد بسیار روشنی از برگشت ما حتی به ماقبل پهلوی ها است. جای دوری نرویم. چند روز پیش بعضی از رسانه ها نقل کردند که وزیری در اعتراض به سوال خبرنگاران در مورد حقوق معلمان گفته است به کسی ربط ندارد که معلمان چقدر حقوق می گیرند و چرا کم می گیرند. شما شبیه این گفته ها را از مسئولان دیگر و همچنین از نیروهای امنیتی می توانید بشنوید.

همچنین در حالی که در مجلس به دلیل جنایات بی سابقه در کهریزک گزارش داده شده است. یکی از مسئولین می گوید مسئله کهریزک بی خود بزرگ شده است. نمونه بارز دیگر این روزها نحوه ارتباط

الان چنین اعتقادی ندارم. امروز هم عوامل و ریشه هایی را که منجر به دیکتاتوری می شود می توان شناسایی کرد و هم مقاومت در مقابل بازگشت به این دیکتاتوری را که باید گفت مقاومت مردم میراث گرانبهای انقلاب اسلامی است. عدم سازگاری مردم با دروغ و تقلب و فساد که ما این روزها شاهد آن هستیم به خوبی حضور این میراث را نشان می دهد. همان طور که بسته شدن فضای مطبوعاتی و رسانه ای و پر شدن زندانها و کشتن بیرحمانه مردم در خیاباها که به صورت مسالمت آمیز احقاق حقوق خود را خواستارند نشان دهنده حضور ریشه های استبداد و دیکتاتوری باقیمانده از نظام شاهنشاهی است. مردم دنبال آزادی و عدالت هستند و متوجه اند که دستگیری ها و اعدام ها با اغراض سیاسی و در تعارض با قانون اساسی و قوانین رایج صورت می گیرد.

امام جمعه بی رحمی که همواره از تبعیض و خشونت و تقلب دفاع کرده به قوه قضاییه دستمیزاد می گوید. برای او مهم نیست که شایعات گسترده ای برای اعتراف گیری های غیر قانونی وجود دارد و برای او مهم نیست که این افراد ربطی به جریانات انتخابات ندارند. مهم برای او اعدام برای زهر چشم گرفتن است. او از قدرت تکوینی اثربخشی خون بیگناهان غافل است و نمی داند سیل خون شهیدان، رژیم شاه را از بین برد. مردم اعتقاد به استقلال و آزادی و جمهور اسلامی را از انقلاب دارند. همان طور که مقاومت دلیرانه ملت و رزمندگان در هشت سال دفاع مقدس ناشی از همین تغییرات بنیادین بود که انقلاب اسلامی در روحیه مردم پدید آورده بود. بیاد داشته باشیم که از جنگهای روس با ایران تا آخر دوران شاه در مراحل مختلف بخشهایی از خاک کشورمان در جنگها و بحران ها و بازی های سیاسی توسط همین شاهان از دست رفته بود و دفاع جانانه هشت ساله دفاع مقدس این مدار خطرناک و خار کننده را در هم شکست. اکنون هم در صفوف سبز مردم و مردم عادی آنها و پایداریشان بر سر حقوق خودشان ادامه همان مقاومت دفاع مقدس و همان روحیه آزاد منشانه قوام آمده در سال ۵۷ را می بینیم. از سوی دیگر امروز وقتی دیده می شود که دروغ از سوی دولت و صدا و سیما و روزنامه های وابسته، سکه رایج است؛ وقتی ملت ما می بیند که عملاً این نیروهای امنیتی و نظامی هستند که بر پرونده های قوه قضاییه حکم می رانند و در حقیقت این قوه قضاییه است که ضابط نیروهای امنیتی شده است، به این نتیجه می رسیم که ما در اول انقلاب زیاد خوش بین شده بودیم.

بنده اعتقاد ندارم که انقلاب به اهداف خود رسیده است. بزرگداشت دهه فجر که هر ساله برگزار می شود در حقیقت برای هشپاری و برای تمدید قوا جهت برخورد با باقیمانده ریشه های استبداد است. امروز مردم برای نیل به عدالت و آزادی و حاکمیت مردم بر سرنوشت خود در صحنه حضور دارند و باید بدانیم که ملت ما در این راه صدها هزار شهید داده است.

انقلاب اسلامی حاصل تلاش و از خود گذشتگی عظیم ملت ماست و کمی غفلت و عقب گرد ما را به استبدادی تاریکتر از قبل از انقلاب می برد چرا که استبداد به نام دین، بدترین نوع استبداد است و به عکس آگاهی و ایستادگی بر سر میراث اصلی و آرمانهای انقلاب اسلامی مطالبه جدی آزادی و عدالت ما را از گذشته ای سیاه به آینده ای روشن



راههای سبز

به عنوان سوال آخر در مورد راهپیمایی ها و تجمعات نظرتان را بیان فرمایید.

راهپیمایی و تجمعات مسالمت آمیز، حق مردم است، زنان و مردان و جوانان و میانسالان و سالخوردهگان به نظر من مردم در اصل هیچ کینه ای نسبت به نیروهای انتظامی و بسیج ندارند چرا که آنها را نیز از خود می دانند. درگیری موقعی پیش می آید که این نیروها در مقابل حرکت آرام مردم قرار می گیرند از هزاران عکس و فیلم های کوتاه مردمی که در عاشر و یا روزهای دیگر گرفته شده می توان فیلم مستندی ساخت تا معلوم شود که درگیری ها و فضای تند دنبال آن چگونه ایجاد شده است. به هر حال آنچه توصیه بنده به نیروهای انتظامی و بسیج است، مهربانی و ملاحظت با مردم است و توصیه من به طرفداران جنبش سبز آن است که تمایز خود را با بقیه مردم، چه کم و چه زیاد، کم کنند. این نهضت از میان مردم برآمده و متعلق به مردم است. همه به شدت باید مراقب اعتقادات، مقدسات و عرف و هنجارهای جامعه باشند. اما هدف نهایی خودمان را در هیچ مرحله ای نباید از یاد ببریم و آن ساختن ایرانی پیشرفته و مستقل و آزاد و متحد است. این هدف تنها با همکاری همه زنان و مردان و همه اقشار ملت و همه اندیشه ها و سلیقه ها امکان پذیر است. جا دارد بگویم، وقتی می گوئیم ایران باید همه ایرانیان داخل و خارج علاقمند به اعتدالی این سرزمین و فرهنگ دیرینه و باورهای دینی، آسمانی و رحمانی آن را در نظر بیاوریم و انشالله حرکت سبز در هیچ مرحله ای دست از روش های مسالمت آمیز و اخلاقی خود در مبارزه برای احقاق حق ملت دست برندارد. این حرکت از انتخاب رنگ سبز رنگ اهل بیت پیامبر به عنوان اسلام رحمانی و دوستی و محبت و وحدت همیشه استفاده کرده است. جنبش سبز به کرامت ذاتی انسانی و حق تنوع عقاید و اندیشه و آزادی بیان احترام می گذارد و از همه جنبش هایی که اهداف آنها بهر روزی و رشد ملت و تضمین حقوق شهروندی و آزادی های اساسی ملت ما و نیز عدالت اجتماعی است استقبال می کند و آنها را از خود جدا نمی داند.

آیا شما نماینده و سخن گویی در خارج دارید؟

در جنبش سبز هر شهروند یک رسانه است و راه سبز هیچ نماینده و سخن گویی در خارج ندارد. یکی از زیبایی های فضای سبز آن است که همه حرفهای خود را می زنند و این حرکت در یک فضای تعامل گسترش می یابد. بنده هم به عنوان یک همراه نظارت و پیشنهادات خود را در این فضا مطرح می کنم.

گاهی در سایتها و فیس بوک و نظایر آن از شما نقل قولهایی می شود. تا چه اندازه این مطالب مورد تایید شماست؟

مطالب بنده با امضاء و در سایتها محدودی منعکس می شود و من وبلاگ شخصی و امثال آن ندارم. نقل قولهایی که اشاره کردید از جمله عوارض اجتناب ناپذیر فضای مجازی است و ارتباطی با من ندارد.

و نه بیشتر. شعارهایی امروز مفید است که یا بصورت مشخص به تبیین اهداف جنبش کمک کند و یا همدلی عامه مردم را در کنار نخبگان و طبقات میانه جلب کند. همه باید بدانند که ۲۲ بهمن و انقلاب اسلامی را اکثریت قاطع مردم ما متعلق به صدها هزار شهید می دانند و تاریخ و منش ملت ما با زنجیره ای از این شهدا در شهر و روستا به دیروز انقلاب متصل اند.

هفت ماه برنامه کانال های کشورهای دیگر که متأسفانه به دلیل بستن فضای رسانه ای کشور و انحراف صدا و سیما اهمیت پیدا کرده اند، اثراتی داشته اند. ولی این اثرات ضعیف تر از آن هستند که مردم از منافع ملی خود و خواسته های دینی و تاریخی شان دست بردارن، همچنانکه نباید همچون حربه ای برای اتهام و سرکوب و اقصیت های جامعه مورد بهره برداری قرار گیرند. به نظر من تلاش برای سوق دادن مردم بسوی شعارهای محدود و از پیش تعیین شده، اهانت به مردم است و باید شعارها از بطن حرکت های مردمی و بصورت خود جوش و غیر آمرانه بجوشد. همانطور که در سال ۵۷ شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی به صورت طبیعی از دل مردم جوشید.

آیا صرف تکیه بر قانون اساسی راه را برای آینده نمی بندد؟

بنده جایی گفته ام که قانون اساسی وحی منزل نیست و همانطور که سال ۶۸ یکبار تغییر پیدا کرد می توان با توجه به نیازهای فکری مردم و مطالبات مردم و تجربیات ملی گام های مهمی در جهت کارآمدسازی بیشتر آن برداشت. منتهی باید بدانیم که صرف داشتن یک قانون خوب مسئله را حل نمی کند. ما باید به طرف سازو کارهایی حرکت کنیم که امکان نقض و تخطی از قانون هزینه های گزافی برای نقض کنندگان آن در هر سطح و مرتبته داشته باشد. به نظر بنده جمهوری اسلامی منهای قانون اساسی بی معنا است، و ما علاوه بر مراقبت جهت عدم نقض قانون اساسی، اجرا نشدن و یا کمتر توجه کردن به بخشهایی از قانون اساسی را هم باید نوعی نقض قانون اساسی بحساب بیاوریم. برای همین، خواست اجرای بدون تنازل قانون اساسی یک خواست راهبردی است از طرف دیگر هم به همین دلیل باید به کسانی که علاقه مند به بقای جمهوری اسلامی هستند بگوئیم اگر بخشهای قابل ملاحظه ای از قانون اساسی بویژه فصل سوم آن مورد بی اعتنائی قرار گیرد بطور قهری بدیل های دیگری برای نظام ظهور خواهد کرد. همه باید بدانیم، عدم رعایت حقوق اساسی مردم که در قانون اساسی آمده است و هم چنین به رسمیت نشناختن حاکمیت مردم بر سرنوشت خود به ابطال این میثاق ارزشمند ملی خواهد انجامید. به طور مثال آن کسانی که جاسوسی و تجسس را در جامعه تبدیل به یک رویه عادی کرده اند، خواسته و ناخواسته نیشه به ریشه نظام می زنند. آن کسانی که رسانه ها را محدود کرده اند و صدا و سیما را در انحصار خواسته های خود قرار داده اند، به سستی پایه های جمهوری اسلامی کمک می کنند.

در بیانیه شماره ۱۷ اشاره به نهرهایی داشتیم که اگر وارد رودخانه گل آلود و طغیانی بشوند می توانند جریان آنها بتدریج آرام و روشن گردانند. یکی از آن نهرهای روشن می تواند این باشد که رسماً اعلام شود که قرار است همه به قانون اساسی برگردیم.

تعطیلی پروژه های بزرگ و عقب ماندگی ما از رقیبان در منطقه هستند، با تزریق مسکن ها و سیاست های بی سر و ته ولی عوام فریبانه سعی می کنند این وضعیت استفاده کنند. کافی است ببینید باسهم عدالت و حقوق بازنشستگان و شیوه غلط اجرای اصل ۴۴ چه بلایی به سر مملکت آورده اند. سرنوشت برنامه چهارم و بودجه سال آینده مایه نگرانی جدی است.

مخصوصاً با ندانم کاری هایی که منجر به افزایش خطر تحریم ها شده است. به هر حال باید گفت که اقشار مستضعف جامعه که دل در ارزش های اسلامی دارند بالقوه خواستار تحقق اهدافی هستند که جنبش سبز نیز دنبال آن است. کسانی که خواستار اجماع ملی برای تغییراند باید بیشتر با اقشار تهری دست گری بخورند و از منافع آنها دفاع بکنند گذشته از آن، امروز به دلیل سرنوشت ساز بودن تصمیمات و سیاست های اقتصادی همه باید به اخبار و تحلیل های اقتصادی حساسیت نشان بدهند. این روزها حجم اخبار اقتصادی و اجتماعی درمقایسه با اخبار سیاسی بسیار اندک است و در این زمینه اطلاع رسانی کمی صورت می گیرد.

عده ای عبور از قانون اساسی را حلال مشکلات کشور می بینند. آیا به نظر شما این راه حل واقعی مسائل ماست؟

انشالله همه ما برای اصلاح به میدان آمده ایم، نه برای انتقام گیری و یا کسب قدرت و یا ویران گری. راه حل های گذر از قانون اساسی دارای اشکالات فراوان و جدی است. اولین آنها عدم توانایی صاحبان چنین خواسته ای برای جلب نظر اکثریت ملت ماست. بدون جلب نظر این اکثریت و حتی باید بگوئیم، بدون ایجاد یک اجماع نباید منتظر یک تحول اساسی و معنا دار باشیم. برای همین بعضی از شعارهای معطوف به عبور از قانون اساسی مورد سوء ظن مردم متدین و نهادهای سنتی است و متأسفانه باید گفت، گاهی شعارهای افراطی در این زمینه بیشتر از افراط کاری های اقتدارگرایان به جنبش آسیب می رسانند. اینکه شما مخالف خرافه گرایی و تجرح هستید یک خواست خوب و اساسی است.

ولی اینکه وسط معرکه بحث هایی به میان کشیده شود که با اعتقادات و دین و ایمان مردم ناسازگاری دارد، مشکوک است. دلیل بعدی برای ابتر بودن عبور از قانون اساسی آن است که با این راه حل، ما به پرتاب در تاریکی دعوت می شویم. اگر ما این ریسمان اتصال را که حاصل زحمات و تلاش های نسلهای گذشته ماست از دست بدهیم به قطعات ریز ریز بی خاصیت تبدیل خواهیم شد. طبیعی است که دنبال آن رویگردانی عامه مردم از این آشفتگی و حرکت در تاریکی را شاهد باشیم. کسانی که اهداف مبتنی بر عبور از قانون اساسی را دنبال می کنند ممکن است امروز بلندگوهای بزرگی را در اختیار داشته باشند ولی در بطن جامعه اهداف آنها با سوءظن جدی روبرو است. مخصوصاً که در کنار منادیان عبور از قانون اساسی خواسته و ناخواسته آنها بعضی از چهره های منفور شاهی حضور دارند که به صورت فرصت طلبانه ای کینه خود را به مردم و انقلاب به نمایش می گذارند. کسانی که تئوریسین های شاهی را در برنامه های خود علم می کنند ظاهراً پادشان رفته است که مردم حافظه بسیار خوبی دارند. بهرحال هر کس به اندازه وزن اجتماعی خود میتواند انتظار مقبولیت را داشته باشد





راههای سبز

خواست‌های اساسی و گرایش‌های مردم به کدام سو است؟ و مهمتر از اینها انتخابات است که باید آزاد، سالم و اطمینان بخش باشد. این یک خواست انقلابی و برخاسته از متن انقلاب است. نیاپییم بگویم یک جریان این را می‌خواهد و جریان دیگر نمی‌خواهد، اگر کسی این را نمی‌خواهد به این انقلاب اعتقاد ندارد! اگر کسی این را نخواهد انقلابی نیست! اگر کسی این را نمی‌خواهد به امام و آن که گفت میزان رای ملت است، اعتقاد ندارد."

وی تصریح کرد: "بیبیند این روزها چه فضایی ایجاد شده، علاوه بر فشار و برخوردهای خشن و بازداشت‌ها، فضای تهمت و اتهام هم هست و این که از یک طرف محدودیت‌های شدید برای صحبت کردن و ارتباط برقرار کردن با مردم وجود دارد و از طرف دیگر کسانی که معتقد با دروغ پردازی‌ها و اتهام زدن‌ها جامعه را به سمت خشونت سوق می‌دهند، (خشونت کوری که خدا می‌داند که عاقبتش چه خواهد شد) آزادی مطلق دارند."

خاتمی سپس اظهار داشت: "مسائل اجتماعی با فشار و سخت‌گیری حل نخواهد شد؛ نمی‌شود گفت هر کس اعتراض دارد برانداز است و با او باید با سختی رفتار کرد. معتقدم با برانداز هم نمی‌شود هر رفتاری را کرد؛ ما مگر پیرو علی(ع) نیستیم؟ عده‌ای که نه تنها علی(ع) را قبول نداشتند و او را کافر می‌دانستند، نه تنها انتقاد می‌کردند بلکه فحش و ناسزا می‌دادند. امیرالمومنین(ع) اجازه نمی‌داد با آنها برخورد کنند حتی حقوق آنها را قطع نمی‌کرد تا وقتی دست به شمشیر برند. وقتی هم اقدام به جنگ کردند امام علی(ع) همه تلاش خود را کرد که درگیری پیش نیاید ولی وقتی زیر بار منطق نرفتند با آنها برخورد کرد."

رئیس دولت اصلاحات گفت: "چقدر خوب بود همه عزیزانی که امروز در زندان هستند در جمع ما بودند و همه با هم در راهپیمایی 22 بهمن شرکت می‌کردیم. ما قانون اساسی و اسلام را می‌خواهیم، ما می‌خواهیم رهبری که در چارچوب قانون اساسی جایگاه مهمی دارد؛ رهبر همه کشور و همه مردم باشد. هر روش، سیاست و هر جریان و جناحی که بخواهد اسلام، امام و انقلاب و رهبری را پایین بکشد که ایشان فقط تعلق به یک جناح خاص داشته باشد، هم جفا به امام و انقلاب کرده و هم به اسلام. اگر سیاست‌ها و رفتارهایی وجود دارد که این تلقی در جامعه پدید می‌آید باید این سیاست‌ها و روش‌ها عوض شود."

رئیس‌جمهور سابق کشورمان سپس این سؤال را مطرح کرد که: "کدام دست‌های است که ضديت با همه چیز دارد و سعی می‌کند خواسته‌های نادرست خود را پشت سر مقدسات پنهان بکند و در واقع امام، رهبری و نظام را در مقابل جریانات قرار دهد؟ اوست که با انقلاب دشمنی می‌کند نه ما. بعضی‌ها ولایت دارند که دروغ بگویند فلانی نامه نوشته؛ در نامه فلان چیز آمده. اصلاً نه کسی از محتوای آن خبر دارد و نه اصلاً چنین چیزهایی وجود داشته بعد همان‌ها می‌خواهند با جوسازی فضا را به گونه‌ای جلو دهند که که افرادی که این افتخار را داشتند که مورد توجه مردم بوده‌اند با هم اختلاف دارند و بگویند که اینها با هم اختلاف دارند که اصلاً این طور نیست."

مردم حق دارند اعتراض کنند

وی هشدار داد: «اینها روشی غلط یا شیطننت آمیز است با هدف مایوس کردن مردم؛ تا بگویند چهره‌هایی که مورد توجه مردم بوده‌اند، مردم را جا گذاشته‌اند و به آنها پشت کرده‌اند که چنین چیزی نیست. ما همیشه مردم را به آرامش دعوت کرده‌ایم. مردم حق دارند اعتراض کنند، حق دارند اطمینان داشته باشند که رای آنها موثر است، مردم حق دارند که از آدی مطلوب و معیشت خوب داشته باشند. آیا حالا واقعا این طوری است؟ امروز بسیاری از مشکلات اجتماعی، اقتصادی، معیشتی و وضع زندگی ناگوار مردم و آینده نگران‌کننده کشور پشت وضعیت سیاسی پنهان مانده است. اموری که خود می‌توانند منشأ بحران‌های بزرگ اجتماعی شود."

حکومتی که متکی به مردم نیست

رئیس موسسه بین‌المللی گفتگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها با اشاره به حرکت یکصد ساله مردم از انقلاب مشروطه تاکنون برای حاکم شدن خود بر سرنوشتشان، گفت: "مردم در این صدسال خواست‌های مشخصی داشتند و تمایز انقلاب اسلامی در این است که این خواست‌ها به صورت غالب و مسلط از پایگاه اسلام این خواست‌ها را مطرح کرد و به رسمیت شناخته شد. مردم ما در طول تاریخ از استبداد بشدت زده بودند و به همین دلیل با استبداد و حاکمیت خردکامگان ضديت داشتند، حاکمیتی که هیچ نمایندگی از مردم نداشت و در عصر حاضر نیز حکومت‌هایی که متکی به مردم نیستند خود به خود متکی به بیگانه می‌شوند."

سیدمحمد خاتمی تأکید کرد: "انقلاب اسلامی ما استقلال و عدم دخالت اجانب در سرنوشت را می‌خواست برای ملت ما کسر شأن و تحقیرآمیز بود که از بیرون مرزها برایش تعیین تکلیف شود که من بارها این را گفته‌ام. در عنوان جمهوری اسلامی، آزادی خواهی، استقلال طلبی و پیشرفت‌خواهی نهفته است و امتیاز انقلاب اسلامی هم همین بود که امام در همه بیاناتشان می‌گفتند اسلام همین‌ها را می‌خواهد. بزرگی مثل حضرت امام(ره) از موضع دین این مطالبات و آرمان‌ها را مطرح می‌کنند، همچنانی که دیگر بزرگان در طول تاریخ بیان کردند."

رئیس دولت اصلاحات همچنین اظهار داشت: "اسلام است که آزادی را می‌خواهد، اسلام است که پیشرفت و استقلال می‌خواهد، این همان اسلامی است که ما می‌گوییم؛ نمی‌شود ما بیابیم به نام اسلام کاری بکنیم که با همه این معیارهای انقلابی در تضاد باشد. اسلامی که در جمهوری اسلامی آمده، اسلامی نیست که حق مردم را نشناسد؛ آزادی‌های مردم را به رسمیت نشناسد و عدالت را نخواهد و این اسلام هیچ سختی با اسلام انقلاب اسلامی ندارد. اسلام و جمهوری اسلامی که ما می‌خواهیم این نبود که حکومت تحت نظارت مردم نباشد."

وی تصریح کرد: "او اینکه ما نیز از انقلاب دفاع می‌کنیم و اگر اعتراض و حرف داریم و می‌گوییم بگذارید حرفمان را بزنیم. پاسخ اعتراض مدنی و انتقاد فشار و سرکوب، زندان و احیاناً اعدام نیست. اینها بحران را افزایش می‌دهد و تمایل به خروج از چارچوب‌ها را تقویت می‌کند. وارد عصری شده‌ایم که جمهور و مردم حاکمند و این مساله بسیار مهم است و انقلاب اسلامی آن را به رسمیت شناخت و مورد تأیید امام قرار گرفت و در قانون اساسی و در اصل طلایی 56 قانون اساسی ما هم آمد."

خاتمی افزود: "مگر می‌شود مردم حاکمیت داشته باشند ولی حکومت برخاسته از اراده و خرد جمعی نباشد؟ به همین دلیل هم برای ما انتخابات حیاتی و مهم است. اگر حساسیت روی آن نشان می‌دهیم برای این است که انتخابات آزاد و رقابتی و صحیح است که تأمین‌کننده جمهوریت اسلامی نظام ماست و اینکه واقعا همه ارکان حکومت برآمده از اراده آزاد و آگاه مردم باشند، یک امر فرعی نیست. دفاع از حق مردم، آراء مردم و دفاع از آزادی مردم یعنی مقابله اساسی با بیگانگی که می‌خواهند این مملکت ضعیف باشد و بین حکومت و مردم فاصله بیفتد و کینه‌ها به جای محبت بین مردم باشد و به آن دامن هم می‌زنند."

هرکسی اعتراض دارد برانداز است!

وی ادامه داد: "مگر جمهوری اسلامی و مردمسالاری بدون وجود احزاب و تشکل‌ها مردم سالار ممکن است؟ حیات احزاب و تشکل‌ها در آزادی است. آزادی که ما می‌گوییم آزادی بیان، آزادی اندیشه و بیان کردن اندیشه و به صحنه آوردن آن اندیشه است و اینکه از مردم خواسته شود در مورد آن اندیشه نظر بدهند. لازمه آزادی به معنای واقعی کلمه که خلاصه آن هم حاکمیت مردم بر سرنوشت خودشان است، آزادی بیان و تجمعات است و مگر می‌شود حزب باشد ولی بلندگویی برای بیان نداشته باشد و نتواند اجتماعات تشکیل دهد؟" رئیس بنیاد باران تأکید کرد: "باید اجازه داد در فضایی آرام و مدنی مردم بیابند و معلوم شود

خاتمی: حاکمیت مردم آزادی بیان و

تجمعات است

شبکه جنبش راه سبز (جرس) - سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری پیشین کشورمان در شفاف‌ترین و مستقیم‌ترین موضع‌گیری خود پس از انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری اسلامی ایران و حوادث پس از آن اعلام کرد که "ما می‌خواهیم رهبری که در چارچوب قانون اساسی جایگاه مهمی دارد، رهبر همه کشور و همه مردم باشد." وی ضمن تأکید بر این مطلب که حکومت جمهوری اسلامی که ما می‌خواهیم این نبود که حکومت تحت نظارت مردم نباشد، گفت: "حکومتی که متکی بر مردم خود نیست، خواه ناخواه متکی به بیگانه می‌شود. خاتمی در مورد نامه‌ای که گفته می‌شود چندی پیش به آیت‌الله خامنه‌ای نوشته، ضمن اینکه اصل نوشتن چنین نامه‌ای را رد نکرد، گفت: "بعضی‌ها ولایت دارند که دروغ بگویند فلانی نامه نوشته، در نامه فلان چیز آمده، اصلاً نه کسی از محتوای آن خبر دارد و نه اصلاً چنین چیزهایی وجود داشته است."

به گزارش روابط عمومی دفتر سید محمد خاتمی، وی در آستانه دهه فجر انقلاب اسلامی و در جمع اعضای شورای مرکزی خانه احزاب اظهار داشت: «در آستانه سالروز حادثه‌های بزرگ در تاریخ هستیم، حادثه‌ای بی‌نظیر از لحاظ مردمی بودن و نیز از نظر اهدافی که انقلاب ما داشت و هم به جهت برخورداری از رهبری ممتاز که تحولی بزرگ در زندگی ایرانیان ایجاد کرد. میدا هویت انقلابی، اسلامی، ملی و انسانی همه ما انقلاب اسلامی است." رئیس دولت اصلاحات گفت: "در ایران انقلاب مردمی بزرگی با هدف تغییرات اساسی در جامعه رخ داد ولی قربانیان و هزینه فراوانی هم داشت. اما نشاندهنده مسال نیز مردم با هر گرایش و موقعیتی که دارند سی و یکمین سالگرد انقلاب اسلامی را گرامی بگویند. باید توجه داشت که این امر متعلق به یک جناح و بخش خاصی از جامعه نیست." رئیس بنیاد باران با بیان اینکه «دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی بود»، گفت: «در آن زمان جمهوری اسلامی مطرح شد و مورد تأیید و حمایت مردم قرار گرفت نه حکومت اسلامی که این خود نکته مهمی است؛ البته بنده اینرا که برخی حکومت اسلامی را مقابل جمهوری اسلامی قرار می‌دهند، یک جسارت می‌دانم."

خاتمی تأکید کرد: "ما معتقدیم ذات حکومت اسلامی مبتنی بر مردم است چرا که در دوره پیامبر و حضرت امیرالمومنین (ع) هم مردم محور و مدار بودند. ولی انتخاب عنوان جمهوری اسلامی هم هوشمندی رهبر انقلاب را نشان می‌داد و هم رشد ملت ایران را اعلام می‌کرد که ما وارد عصری شده‌ایم که حاکمیت با مردم است. حاصل دیگر انقلاب اسلامی قانون اساسی بود؛ این که امروز می‌گوییم قانون اساسی مبنا است، معنایش این نیست که قانون اساسی امری ما فوق بشری است بلکه به این معنی است که با روش مردمی تدوین و تصویب شده و مبنای نظام جامعه قرار گرفت. اگر کسی هم انتقاد دارد مبنای عمل همین قانون اساسی است و اگر حرف و حدیثی هم وجود دارد در این است که آیا قانون اساسی درست اجرا می‌شود یا نقض می‌شود؟"

وی تأکید کرد: "اگر این نقض توسط جریان‌ها و گروه‌هاست که بد است و اگر توسط حکومت است که بدتر است و یا این سؤال مطرح است که اگر اعتراضی به تفسیرهای عجیب و غریبی هست که از قانون اساسی می‌شود با روح این قانون سازگار است؟ و اگر انتقادی هست این است که آیا ادعای پاسداری از قانون اساسی درست است یا نیست؟ اگر واقعا همه به روح قانون اساسی و نص آن برگردیم می‌توانیم جامعه‌ای آرام و رو به جلو داشته باشیم، بحث‌هایمان را هم در چارچوب قانون اساسی بکنیم. به هر حال افتخار اسلام و انقلاب ما این بود که جمهوریت را به رسمیت شناخت و این جمهوریت در مقابل اسلامیت نیست، اسلامی که در انقلاب مطرح شد گفت جمهوریت و نیز خود انقلاب اسلامی تداوم یک حرکت بزرگ انسانی در طول تاریخ ماست."



راههای سبز

خاتمی با تاکید بر اینکه رهبران جنبش سبز به مردم پشت نکرده اند، تصریح کرده است که انتشار این گونه شایعات "روش غلط و شیطنان آمیزی است که با هدف مایوس کردن مردم انجام می شود، تا بگویند چهره هایی که مورد توجه مردم بوده اند به آنها پشت کرده اند، که چنین چیزی نیست."

رئیس جمهور سابق ایران، کسانی را که درباره محتوای این نامه به گمانه زنی پرداخته بودند، متهم به تلاش برای ایجاد اختلاف میان رهبران معترضان به نتایج انتخابات در ایران کرده و ادامه داد: "همان ها می خواهند با جوسازی فضا را به گونه ای جلوه دهند که افرادی که این افتخار را داشتند که مورد توجه مردم بوده اند با هم اختلاف دارند و بگویند که اینها با هم اختلاف دارند که اصلا این طور نیست."

با برانداز نمی شود هر رفتاری کرد

وی در بخش دیگری از سخنانش، با بیان اینکه "مردم حق دارند اعتراض کنند و اطمینان پیدا کنند که رأی آنها موثر است" به صدور احکام اعدام برای بازداشت شدگان اشاره کرده و گفته است: "پاسخ اعتراض مدنی و انتقاد از فشار و سرکوب زندان و احیانا اعدام نیست. اینها بحران را افزایش می دهد و تمایل به خروج از چارچوبها را تقویت می کند." به گفته خاتمی "مسائل اجتماعی با فشار و سخت گیری حل نمی شود" و "نمی شود گفت هر کس اعتراض دارد برانداز است و با او باید با سختی رفتار کرد."

رئیس دولت اصلاحات با تاکید بر اینکه "معتقدم با برانداز هم نمی شود هر رفتاری را کرد" ابراز امیدواری کرده با مردم با خشونت رفتار نشود. وی همچنین گفته است: "کدام دستی است که ضدیت با همه چیز دارد و سعی می کند خواستهای نادرست خود را پشت سر مقدسات پنهان بکند و در واقع امام، رهبری و نظام را در مقابل جریانات قرار دهد؟"

اوست که با انقلاب دشمنی می کند، نه ما." خاتمی مهمترین اعتراض اصلاح طلبان را در شرایط کنونی اعتراض به نقض قانون اساسی دانسته و گفته:

"اگر این نقض توسط جریانها و گروههاست که بد است و اگر توسط حکومت است که بدتر است." او در عین حال یاد آور شده اینکه "امروز می گویم قانون اساسی مبنا است، معنایش این نیست که قانون اساسی امری مافوق بشری است، بلکه به این معنی است که با روش مردمی تدوین و تصویب شده و مبنای نظام جامعه قرار گرفت."

خاتمی با تاکید بر اینکه "اسلام و جمهوری اسلامی که ما می خواهیم این نبود که حکومت تحت نظارت مردم نباشد"، گفت: "اسلامی که در جمهوری اسلامی آمده اسلامی نیست که حق مردم را نشناسد، آزادی های مردم را به رسمیت نشناسد و عدالت را نخواهد و این اسلام هیچ سختی با اسلام انقلاب اسلامی ندارد."

وی همچنین جمهوری اسلامی و مردمسالاری را بدون وجود احزاب و تشکلها ممکن ندانسته و خواستار آزادی احزاب در کشور شده است.

خاتمی گفته: "آزادی که ما می گویم آزادی بیان، آزادی اندیشه و بیان کردن اندیشه و به صحنه آوردن آن اندیشه است و اینکه از مردم خواسته شود در مورد آن اندیشه نظر بدهند."

رئیس بنیاد باران سپس به تاریخ یکصد ساله مبارزه مردم ایران برای نیل به مردمسالاری و ضدیت با

رهبران جنبش سبز به مردم خیانت نکرده اند

هشدار خاتمی به خامنه ای

محمد خاتمی، در تازه ترین سخنان خود از برخوردهای خشونت آمیز با مردم و "آزادی مطلق خشونت گران" به شدت انتقاد کرد و از رهبر جمهوری اسلامی خواست، رهبر همه مردم باشد.

رئیس جمهور سابق ایران که در جمع اعضای شورای مرکزی خانه احزاب سخن می گفت، ضمن دادن هشدار نسبت به "گرایش رهبری به یک جناح خاص" گفت: ما قانون اساسی و اسلام را می خواهیم؛ می خواهیم رهبری که در چارچوب قانون اساسی جایگاه مهمی دارد، رهبر همه کشور و همه مردم باشد.

بر اساس گزارش پایگاه اطلاع رسانی بنیاد باران، خاتمی "تعلق یافتن رهبری نظام به یک جناح سیاسی را جفا به آیت الله خمینی، انقلاب و اسلام" دانسته و تصریح کرده است که اگر سیاستها و رفتارهایی وجود دارد که این تلقی در جامعه پدید می آید، باید این سیاستها و روشها عوض شود.

ولایت دروغ

سخنان محمد خاتمی در حالی منتشر می شود که طی روزها و هفته های اخیر، شایعاتی درباره سازش پشت پرده رئیس جمهور سابق ایران با آیت الله خامنه ای منتشر شده بود. این شایعات که رسانه های حامی محمود احمدی نژاد بدان دامن میزدند حکایت از این داشت که خاتمی در نامه ای به رهبر جمهوری اسلامی، دولت محمود احمدی نژاد را به رسمیت شناخته است.

هر چند این قضیه از سوی خاتمی تکذیب شد اما هفته گذشته مجله ایراندخت مدعی شد که خاتمی در نامه خود به رهبری عنوان کرده که "جریان اصلاح طلب و ما، دولت موجود را به رسمیت می شناسیم اما باید جلوی تندرویها را گرفت. تندروی هم در این سو وجود دارد هم در آن سو."

این مجله نوشته بود خاتمی در نامه خود تاکید کرده که بهتر است از هاشمی رفسنجانی بخواهیم جریان حکمیت را رهبری کند. خاتمی به جریان اصلاحات و ریشه های خط امامی آن نیز اشاره و تصریح کرده که "این جریان قابل حذف نیست". او از همین زاویه خواستار آزادی زندانیان سیاسی و گشودن فضای سیاسی شده است.

بر اساس گزارش "روز" میرحسین موسوی و مهدی کربوبی از چنین نامه ای اطلاعی نداشتند و موسوی خونینی ها، عضو مجمع روحانیون مبارز و مدیر مسؤل روزنامه توقیف شده سلام نیز با ابراز بی اطلاعی از وجود چنین نامه ای گفته بود که در مجمع روحانیون مبارز نوشتن چنین نامه ای مطرح نشده و در صورت مطرح شدن، قطعاً مورد مخالفت قرار می گرفت.

اما دیروز محمد خاتمی، به تکذیب شایعات مطرح شده در محتوای نامه پرداخت و اعلام کرد: "بعضی ها ولایت دارند که دروغ بگویند، «فلانی نامه نوشته» یا «در نامه فلان چیز آمده»؛ در حالی که نه اصلاً کسی از محتوای آن خبر دارد و نه اصلاً چنین چیزهایی وجود داشته است."

رئیس بنیاد باران افزود: "سؤال این است که چرا به برنامه چهارم عمل نشد؟ چرا حتی گزارش کار به مجلس داده نشد؟ چرا به جانب اهداف چشم انداز حرکت نکردیم؟ چرا زندان و چرا فشار و چرا زند و بستن و خیلی چراهای دیگر! در این مملکت هر کس که حاضر است در چارچوب قانون اساسی زندگی کند، باید از حقوق مدنی و شهروندی برخوردار باشد و به جرم ابراز عقیده، گرایش و نقد نمی شود با او برخورد کرد. اگر این مشکلات رفع شد آن وقت حکومت حکومت همه است و دولت دولت همه است؛ مگر آنکه کسی بیاید و بگوید من اصل نظام و قانون اساسی را قبول ندارم این هم تفنگ و سلاح من، و می جنگم."

خاتمی در پایان خاطر نشان کرد: "ما هیچگونه ساختار شکنی و خشونت را تأیید نمی کنیم و خدا کند که با مردم هم با خشونت رفتار نشود."

در ابتدای این دیدار مهندس حسین کاشفی رییس خانه احزاب گزارشی از فعالیتها و عملکرد این نهاد مدنی را ارائه داد. وی هدف از این دیدار را گفتگو و رایزنی با شخصیت های تاثیرگذار و مسئولان در راستای تعامل احزاب و دستیابی به راه حل های فراگیر جهت برون رفت از وضعیت فعلی اعلام کرد. وی ضمن تاکید بر ایجاد و گسترش زمینه های فعالیت احزاب از سوی دولت ها گفت: «دولت ها نباید احزاب را رقیب خود بدانند».

رییس خانه احزاب افزود: "در شرایط فعلی راهی جز بازگشت به قانون اساسی و احترام به کرامت انسانی نداریم. وی همچنین آمادگی خانه احزاب جهت تقویت فرهنگ تعامل بین جناحها و انجام گفتگوهای سازنده را اعلام کرد. در ادامه برخی اعضای شورای مرکزی خانه احزاب ضمن تشریح دیدگاههای خود به بیان مواضع و نقطه نظرات خویش پرداختند. حفظ دستاوردهای انقلاب، پاسداشت زحمات مبارزان و بزرگان انقلاب اسلامی، تقویت نقش و جایگاه احزاب، ایجاد زمینه های فعالیت بیشتر احزاب، حفظ حقوق شهروندی، آزادی بیان، پرهیز از شعارهای ساختار شکنانه، اجتناب از هرگونه خشونت و توسعه فرهنگ تحزب و انسجام در چارچوب قانون از مهم ترین مطالبی بود که حاضران در جلسه بر آنها تاکید کردند.



RALLY IN SOLIDARITY
WITH PEOPLE
IN
IRAN

SATURDAY
FEBRUARY 6TH
1:00 TO 4:00 PM

PLAZA DE CESAR
CHAVEZ, SAN JOSE
CA, 95113

CONTACT:
BAHMANZRALLY@GMAIL.COM

حاکمیت خودکامگان اشاره کرده و افزوده است: "در عصر حاضر نیز حکومت‌هایی که متکی به مردم نیستند خود به خود متکی به بیگانه می‌شوند."
خاتمی همچنین بر لزوم شرکت گسترده مردم در راهپیمایی 22 بهمن تاکید کرده است: "چقدر خوب بود همه عزیزانی که امروز در زندان هستند در جمع ما بودند و همه با هم در راهپیمایی ۲۲ بهمن شرکت می‌کردیم."

خطاب مستقیم خاتمی به علی خامنه ای

محمد خاتمی، در آستانه دهه فجر، در جمع اعضای شورای مرکزی خانه احزاب سخنرانی کرده و مبتکر مخاطب قرار دادن شخص علی خامنه ای پیرامون رویدادهای خونین و کودتای کشور شد. پیش از وی، مهدی کروبی نیز در نامه سرگشاده اش خطاب به ملت ایران که 21 دیماه گذشته انتشار یافت، گامی در همین سو برداشته بود، اما آنچه که خاتمی در دیدار با شورای مرکزی خانه احزاب گفته است، یک گام جلوتر از آن اشارات مهدی کروبی است. محمد خاتمی در این سخنرانی، با لحنی دوستانه و خیرخواهانه خطاب به علی خامنه ای سدی را پشت سر گذاشت که در آغاز سال 1357 نیز، سرانجام همه سیاسیون و روحانیون ایران در خطاب قرار دادن شاه، این سد را پشت سر گذاشتند. خطاب به آن کسی که مسئول مستقیم هر واقعه ای در کشور است!

شاه در آن دوران، مغرورتر و به خود مطمئن تر از آن بود که زیر بار این نوع هشدارها برود. حتی هشدار نزدیک ترین دلسوزان خویش. تنها گامی که به عقب برداشت، حفظ تمام دم و دستگاه و وابستگی‌ها و برکناری امیرعباس هویدا نخست وزیر 14 ساله اش و سپردن سکان نخست وزیری به جمشید آموزگار بود. و این، به ارزیابی کارشناسانی که در آن نظام فعال بودند، چیزی جز ادامه مسیر خودکشی نبود. آنها معتقدند که اگر شاه همان موقع، بجای برگمارد آموزگار، سکان را سپرده بود بدست علی امنینی و توصیه کرده بود که یک کابینه ائتلافی را سازمان بدهد، حوادث مسیری غیر از مسیر سقوط شاه را طی کرده بود. کابینه ای مرکب از افرادی نالوده به دستگاه حکومتی، مانند علی اصغر حاج سیدجوادی (مبتکر نامه به شاه) و حتی شاپوربختیار، داریوش فروهر و چهره های موجبی مانند مهندس بازرگان که از حمایت مراجع مذهبی مستقر در قم نیز برخوردار بود. شاه نه تنها چنین نکرد، بلکه همین جمع را نیز بعد از سقوط دولت آموزگار که از ابتدا نیز محتوم بود، دستگیر کرد، زندانی کرد، چماقدار فرستاد تا آنها را بزنند، سفارش برنامه تلویزیونی و مطبوعاتی برای مقابله تبلیغاتی با این جمع را داد و ... در حالیکه هیچکدام از آنها خواهان

سرنگونی نظام سلطنتی نبودند و تنها طرفدار سلطنت شاه بودند و نه حکومت شاه. شاه رفت به آن مسیری که در آن نه از تاک نشان می ماند و نه از تاک نشان و چنین نیز شد. اهمیت سخنرانی محمد خاتمی، به مرور این سوابق تاریخی است. سابقه عبور از کلی گویی و پرهیز از مخاطب قرار دادن آن که مردم او را مسئول تمام حوادث کشور می دانند. این جمله محمد خاتمی از سخنرانی مورد بحث را جز این می توان ارزیابی کرد؟:

«ما می خواهیم رهبری که در چارچوب قانون اساسی جایگاه مهمی دارد؛ رهبر همه کشور و همه مردم باشد. این که ایشان فقط تعلق به یک جناح خاص داشته باشد، جفا به امام و انقلاب و اسلام است. اگر سیاست‌ها و رفتارهایی وجود دارد که این تعلق را در جامعه پدید آورده باید این سیاست‌ها و روش‌ها عوض شود.»

منبع: پیک نت

زنجیره سبز

تجمع در مقابل دفتر سازمان ملل متحد در ژنو

در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران

در هفتمین اجلاس بررسی ادواری جهانی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، در روزهای 15 تا ۱۷ فوریه 2010 در مقر سازمان ملل متحد در ژنو، وضعیت حقوق بشر ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در اعتراض به روند گسترده، مستمر و برنامه ریزی شده نقض حقوق بشر در ایران و به مناسبت نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، " کمیته یو پی آر- ایران 2010" -- شبکه ایی از نهادهای حقوق بشر داخلی و خارجی و دیگر تلاشگران حقوق بشر- - تجمعی اعتراضی در تاریخ 15 تا ۱۷ فوریه 2010 در مقابل مقر سازمان ملل در ژنو برگزار می کنند. با توجه به شدت یافتن خشونت های دولتی و تهدید روزافزون فعالین اجتماعی به اعدام، از تمامی مدافعین حقوق بشر و قربانیان نقض حقوق بشر در ایران دعوت بعمل می آوریم، از خواستهای این تجمعات حمایت و در آنها شرکت نمایند.

درخواستهای ما از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به شرح زیر است:

1. محکومیت خشونت دولتی، شکنجه، تجاوز، اعدام و دیگر موارد نقض حقوق بشر در ایران
2. آزادی بی قید و شرط کلیه ی زندانیان سیاسی
3. آزادی بیان، تجمعات و رسانه ها
4. اعزام هیئتی برای بررسی وضعیت زندان ها و زندانیان ایران
5. شناسایی و مجازات تمامی عاملین و آمرین جنایت علیه بشریت و مسببین نقض حقوق بشر در ایران
6. برقراری نظارت مجدد و ویژه بر وضعیت حقوق بشر در ایران

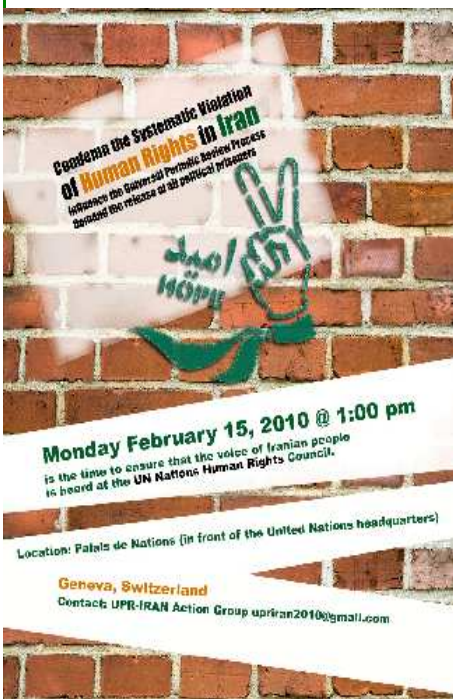
حمایت کنندگان

اتحادیه دانشجویان اروپا
انجمن ایرانی حقوق بشر دانشگاه یورک (کانادا)
ایران آزاد - کانون دفاع از مبارزات مردم ایران
برای آزادی، حقوق بشر و دموکراسی (آلمان)
حامیان "مادران عزادار ایران" در لس آنجلس (آمریکا)
جمعیت ایرانی حقوق بشر کالیفرنیا شمالی (آمریکا)
جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران - جنوب کالیفرنیا (آمریکا)
جوانان پیشروی ایرانی (هلند)
جامعه ی دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در ایران (سوئد)

دوچرخه سواری برای حقوق بشر (کانادا)
سازمان دگرباشان جنسی ایران (کانادا)
شبکه فعالین ایرانی دفاع از حقوق بشر در اروپا و امریکای شمالی (بین المللی)
شهروند (کانادا)
صدای زنان کانادا برای صلح (کانادا)
کمیته همبستگی با ملت ایران (کانادا)
کمیته آمریکائیان و ایرانیان پیشرو (آمریکا)
کمپین مبارزه با خشونت برای صلح، مرکز تحقیقات بین المللی بهداشت و طب پیشگیری (آمریکا)
فدراسیون یوروپرس (اروپا)
مادران ایرانی هامبورگ (آلمان)
مرکز اسناد حقوق بشر ایران (آمریکا)
ندای مادران (بلژیک)
ندای صلح و آزادی (کانادا)

برای حمایت از این چالش جمعی لطفا با این آدرس تماس بگیرید

upriran2010@gmail.com





متهمان بی نام؛ مجرمان آشنا نوشابه امیری

گردانندگان "آشنا"ی نظام قضایی - امنیتی حکومت اسلامی، با توسل به ترفندی جدید، متهمانی "بی نام" را در دادگاه ها می نشانند و هر چه دل تنگ شان می خواهد از زبان آنان می گویند و می نویسند؛ از کیفرخواست ماموری به نام دادستان تا متنی که شاعری "اغتشاشگر" باید بگوید. و تاریخ استبداد همیشه چنین بوده است؛ متهمانی بی شکل که مردمان شان می خوانند و مجرمانی آشنا که نام مشترک همه آنها یکیست: دیکتاتور.

از فردای روز تنفیذ حکم محمود احمدی نژاد، ساعت شنی استبدادبا خون پر شده است. با فریاد کمک خواهی جوانی که در کهریزک، زیر تنه ماموران فرمانده "ارازل و اوباش"، دست و پا می زد؛ با صفیر شلاقی که زخمی بر پشت دانشجویی به جا می گذاشت؛ با فریاد جگر خراش مصطفی معراجی، گاه سوزاندن بدنش، گاه شکستن دانه دانه انگشتانش؛ با آه جانکاه مادری که روزی هزار بار مرد و زنده شد تا دریافت، جگر گونه اش دیگر جان ندارد؛ با مظلومیت همسری که نمی داند مردش کجاست، چراغ خانه اش چرا خاموش است... با نفس گرفته روزنامه نگاری که روزهاست در زیر زمینی پنهان شده که عسس نبیندش و در دامش نیفتد؛ با دلهره های جوانی که از راهی ناشناخته، خاک میهن را پشت سر می گذارد؛ با آندوه آنکه چون به غربت رسید، از فرزند 14 ساله اش شنید: بابا! کی به ایران برمی گردیم؟

آری؛ هفت ماه است که هر روز متهم "بی نام" می گیرند و نام مجرمان، آشکارتر می کنند. هفت ماه است که فرمان مرگ شنیده ایم؛ فرمان هایی که ولی مطلقه فقیه صادر می کند و جنتی و احمد خاتمی و ملاحسنی، بازتابش می دهند. با هر فرمان، گمنامی می میرد، اما نام مجرمی آشکار می شود.

هفت ماه است "برادران سردار" یک به یک به اجبار به میانه آمده اند تا "آشنا" شوند و بگویند: از این پس هر که را بگیریم، عامل دشمن است و با او همان می کنیم که با دشمن! [انگار که از تجاوز و شکنجه و اعدام هم بالاتر هست] و همان گاه پاسداری "بی نام" به تلیخی به خود گفته است: این چه نانی ست که در... می زنیم و به خانه می بریم؟

هفت ماه است که می ببینیم آقا "باج" نمی دهد الا به بیگانه؛ حکم مرگ نمی دهد الا به مردمان ایران؛ از عطفوت نمی گوید مگر با "سردار" و "کودتاجی"؛ از اقتدار نمی گوید جز در برابر مردمانی بر بند کشیده شده... بله؛ هفت ماه است که ما بی نامیم و "عامل دشمن"؛ و "آقا"یان نام شان آشکار و آشکار تر شده است. هفت ماه است "رشدید" مان در بند؛ "سحرخیز" مان در شب سلول؛ "عبدالله" مان در قربانگاه؛ "مسعود" مان در جمع قاتلان؛ "احمد" مان در جایی چون قیر؛ "مصطفی" ایمان زبان به کام گرفته؛ "آرش" مان بردار... دشمنان مان اما هفت ماه است که هر روز حرفی از نام خود بر حافظه ملت به ثبت رسانده اند؛ ما در عین بی نامی شده ایم یک نام: ملت. آنان اما با یک نام شناخته شده اند، یک صفت: مستبد.

هفت ماه است که چنین است؛ هفت ماهی که "آقا"یان، هفت روزش را نیز تاب نخواهند آورد؛ ما اما زمین خورده ایم و بر خاسته ایم؛ زخم برداشته ایم و بر خاسته ایم؛ با فروکشیدن هر ستاره، ده ها ستاره آسمان مان را پر نور کرده اند، با هر طناب دار که "آقا"یان به پا کرده اند، جان ملت ما به پرواز درآمده و رقص زندگی را فریاد کرده است.

"آقا"یان هر چه سردار و مزدور داشته اند، به میانه بازی کشانده اند، ما هنوز میلیون میلیون در صفیم و همچنان "بی نام". هفت ماه است که جهان مارا به یک نام می شناسد؛ جنبش سبز؛ هفت ماه است که جهان، "آقا"یان را به نام هایی که درخورشان است، بیشتر می شناسد: دیکتاتور. جلاد، دروغگو، قاتل، اراذل، اوباش...

آری؛ هفت ماه است که ما "بی نام" ایم اما در یک نام تعریف می شویم: ملت آزادیخواهی؛ ملتی که داغ فرزندانمان را از یاد نمی برد، در هر فرصت به میانه می آید؛ از 13 آبان تا 22 بهمن.

پس؛ مجرمان "آشنا" ما را نهراسانید از به دادگاه کشاندن متهمان "بی نام". حوالت مان ندهید به چوب های دار که از هراس به پا می دارید. از سیاهی بالاتر، رنگی نیست. با کشتن پدر "امید"، امید را نکشتید؛ با اعتراف "امید" ما، بی "امید" نمی شویم. ما هستیم؛ در زیر یک نام: ملت آزادیخواه ایران. گمنام و صاحب نام هم نداریم؛ یک تن ایم. یک تن واحد سبز. ملتی که تنها در 7 ماه، جامه دیکتاتور ظاهرالصلاح رادیده است.

آری ما همه متهمین بی نامیم؛ جرم مان: دوستی میهن، آزادیخواهی، تظاهرات در خیابان ها، نوشتن روی فیس بوک، اطلاع رسانی... شما اما مجرمینی با هویت: کودتاجی، دروغگو، قاتل...

شما اسم دارید: محمود احمدی نژاد، سردار رادان، سردار نقدی، سردار همدانی، سعید مرتضوی، روح الله حسینیان، احمد جنتی، ملاحسنی، محمد یزدی، ... از آن بالای بالا، تا "صلواتی" هاینان.

چه خوش است بی نامی ما و چه هولناک، "آشنا" بودن شما.

برادر کشی بس است شیرین عبادی

بی شک ایران روزهای سخت و سرنوشت سازی را می گذراند و از همین روی هر اظهار نظر، بیانیه، تصمیم و اقدامی از سوی همگان چه آنها که در حکومت هستند و چه آنان که مورد خشم حکومت واقع شده اند و چه از سوی هر انسان وطن پرست و آزاده ای که دل در گرو میهن عزیزمان دارد، مهم و مسئولیت آور است.

آنچه در روز عاشورا شاهد آن بودیم، آزار دهنده و تکان دهنده تر از آن است که بتوان توصیف کرد. خون جوانان برومند این سرزمین یکبار دیگر سنگ فرش خیابان ها را سرخ و گلگون کرد، یکی از ما ایرانیان زیر چرخ های ماشین ندای آزادی خواهی سر داد و دیگری در عزای حسین، سالار عدالت جویی از بالای پل به زمین افکنده شد و آن دیگری ترور شد. و باز صدای ناله و شیون از سینه های سوخته برخاست. به راستی بای ذنب قتلت.

ایرانیان همواره از جنگ و خشونت بیزار بوده اند. آزادیخواهان ایران که همواره خواهان برقراری صلح در سراسر جهان بوده اند، اکنون ناباورانه خشونت و آتش را در خانه خویش و در بین برادران

و خواهرانشان می بینند. مگر نه آنکه راننده ماشین و افراد تروریست و مامورین مسلحی که جان هموطنان خود را گرفتند، ایرانی بودند؟ متأسفانه برادران و خواهران هموطن ما طی ماههای اخیر نه به دست اجنبی بلکه به دست برادران هموطن خود جان باختند.

خواهران و برادران هموطن چه روزهای سختی را پشت سر گذاشتیم. زمانی صدام جنگ علیه ایران را آغاز کرد و صدها هزار ایرانی را به خاک و خون کشید و میلیون ها مادر ایرانی را به سوگ نشاند، اما سخت تر از آن کشته شدن جوانان سرزمینمان توسط اقلیتی از هموطنانمان است و بی شک ملت ایران ناباورانه این خشونت و آتش جنگ را به نظاره نشسته اند.

برای ما ایرانیان تحمل ناپذیر بود که ببینیم جوان فلسطینی که هموطن خود را غرق در خون میدید، سنگی را به نشان نفرت به سوی دشمن پرتاب کند، اما چه مرگ آور است ببینیم جوانان ایرانی از به خون غلظیدن یاران معترض و مسالمت جوی خود سنگ در مشت گره کنند.

بی شک همگان میدانند که از انتخابات تا کنون اعتراض ملت ایران، اعتراضی مسالمت آمیز، مدنی و قانونی بوده که به هیچ ترتیبی نمی توان آن را وارونه جلوه داد و آنچه دامنه اعتراضات مردم را گسترده و مردم را مصمم تر نموده، اقدامات یک سویه و به دور از عدالت و انصاف برخی مسولان حکومت بوده است. تداوم بازداشت های گسترده مردم، موج محرومیت از تحصیل و اخراج جوانان دانشجو، افزایش اخراج فعالان اجتماعی، توقیف بی رویه و غیر قانونی مطبوعات، تحدید روز افزون آزادی بیان، حذف جریان های سیاسی - فرهنگی - اجتماعی، برخورد غیر قانونی با نهادهای مدنی، به کار گیری خشونت، ضرب و شتم، کشتار، هتاک و به کار گیری الفاظ رکیک و شرم آور با شرکت کنندگان در راهپیمایی حتی با مداران عزادار، کشته شدن جوانان در زندان های غیر قانونی و عدم مجازات عاملان و آمران این جنایت ها، یکسویه نگری صدا و سیما

جمهوری اسلامی ایران، فشار بر رهروان جنبش سبز و مردمی و سایر فعالان سیاسی - اجتماعی - فرهنگی - هنری - مطبوعاتی - دانشجویی - زنان - اقلیت های مذهبی و قومی و... از جمله اقداماتی است که موجب گسترش ناراضایتی در بین مردم شده و البته به فشارهای اقتصادی و معیشتی مردم مزید گشته است.

پرسش این است که آیا در مقابل ناراضایتی ملت ایران که صبورانه و کاملاً مدنی و مسالمت آمیز اعلام ناراضایتی می کنند، می بایست تفنگ و گلوله در دست گرفت و از تربیون های حکومت معترضان را تهدید و تحریک نمود؟ و آیا به کار گیری چنین شیوه ای از ۲۵ خرداد تا روز عاشورای خونین نتیجه و ثمری داده است که برخی همچنان بر طبل خشونت می کوبند؟

برخی از بزرگان چه از سوی نظام و چه معترضان، منتقدان و مخالفان راههای منطقی و مسالمت آمیز با ملت را پیش روی حکومت قرار داده اند تا بحران ویرانگر کنونی را خاتمه دهند، اما متأسفانه گویی صدای صلح طلبان و مسالمت جویان در هیاهوی بوق و کرنای جنگ طلبان و خشونت خواهان شنیده نمی شود.

تداوم این سیاست آنچه شده است که نباید می شد. یعنی برادر کشی ایرانیان. و این امر اگر نگوییم



که نبرد آنلاینی که آمریکا از طریق فیلم‌های ویدئویی یوتیوب و میکرو بلاگ توئیتر (نرم‌افزاری که به کاربران این امکان را می‌دهد تا متن‌های کوتاه به‌روز شده‌ای را بر روی سایت ارسال کنند)، برای انتشار شایعات و همچنین ایجاد شکاف در جامعه ایران آغاز کرده است، اختلافاتی را میان طرفداران احزاب محافظه‌کار و اصلاح‌طلب [در ایران] ایجاد کرده و گسترش داده است. "اکونویز" شاهد بوده ایم که پس از واکنش‌های شدید مردم به حمایت روسیه از دولت کودتا، دولت روسیه رویه منطقی‌تری را اتخاذ کرده است و آشکارا به صورت ملت ایران پنجه نمی‌کشد. به نظر می‌رسد اعتراض مشابه به دولت چین با شعارهایی مناسب (که به جای کلیت کشور چین دولت سرکوبگر و دیکتاتور چین را هدف قرار دهد) می‌تواند سیگنال‌های لازم را به دولت چین ارسال کند تا بیش از این به حمایت آشکارا از سرکوب ملت ایران نپردازد.



هزار و یک شب مینو نصرت

جهان به افق چشمها
قطره ایست
که به دهان نمی‌رسد
هزار و یک شب
چپ اندر غلط
راز درختان سر بریده را افشا میکند
جنگل از تاریکی برق می‌زند
شیرهای پیر
تماشاگران را از حلقه‌های آتش عبور می‌دهند
با هر تب یک درجه
پیشانی ام گود می‌شود
سیاره ی دلم را از شیر میگیرم
یک سال نجومی عقب نشینی میکنم
دریا هم روزی به قتلگاهش بر می‌گردد

خود را که سوگند به پاسداری آنها خورده اید، بی‌گناه و بی‌دفاع به خاک نیفکنید و مادران خود را رخت ماتم نپوشانید و بر سر مزار شهدایی دیگر ننشانید. در خاتمه
کانون مدافعان حقوق بشر با تاکید بر امر خشونت زدایی از عرصه اجتماعی ایران اعلام می‌کند هر اقدامی از سوی هر گروهی می‌بایست در راستای تامین و نهادینه کردن موازین جهانی حقوق بشر در کشور ایران باشد، چرا که در غیر این صورت ناکارآمد و غیر قابل قبول در پیشگاه ملت ایران خواهد بود.

۲۲ بهمن و سیاست خارجی جنبش سعید قاسمی نژاد

جنبش سبز سیاست خارجی خود را در سیزده آبان و روز قدس به صراحت مشخص کرده است. شعار "نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران" در روز قدس و شعارهای "اوباما، اوباما، یا با اونا یا با ما" و "نه شرقی، نه غربی، دولت سبز ملی" سیاست خارجی جنبش را تا حدود زیادی مشخص کرده است. از سوی دیگر تظاهرات روز 22 بهمن بیش از آنکه در پی تعیین تکلیف سیاست خارجی جنبش باشد در پی تعیین تکلیف سیاست داخلی جنبش، نمایش قدرت به حکومت و برداشتن گام بلند دیگری به سوی گذار به دموکراسی در ایران خواهد بود.

از این رو تعیین شعار محوری جنبش در حیطه سیاست خارجی در روز 22 بهمن با حساسیت کمتری روبروست. نگارنده معتقد است جنبش در روز 22 بهمن در حیطه سیاست خارجی بهتر است بر یک مطلب تاکید کند. آن یک مطلب هشدار به چین به خاطر حمایت‌های بی‌دریغش از حکومت کودتا، نه فقط در عرصه سیاست هسته‌ای، بلکه در سرکوب مردم ایران است. چین تا به امروز نه تنها به حکومت ایران ابزار سرکوب و به خاک و خون کشیدن مردم بی‌گناه را فروخته، بلکه صریحاً تظاهرات مردمی و جنبش سبز دموکراسی خواهانه مردم ایران را متهم به وابستگی به ایالات متحده کرده است.
روزنامه "خلق" چین (که انعکاس‌دهنده دیدگاه‌های حزب کمونیست این کشور است) در سرمقاله خود به قلم "وانگ شیاویانگ" نوشت: "آمریکا با ایجاد یک ارتش سایبری و تشکیلات هکری و همچنین سوءاستفاده از رسانه‌های اجتماعی نظیر توئیتر و یوتیوب ناآرامی‌ها در ایران را تحریک کرده است."

این نشریه چینی با اشاره به درخواست اخیر هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا برای آزادی‌های بیشتر اینترنت در کشور چین و دیگر نقاط جهان افزود: "آمریکا کنترل اینترنت را به نام آزادی اینترنت در اختیار خود گرفته است."
بنا بر این گزارش، چین روز جمعه هشدار داد که فشار واشنگتن علیه سانسور اینترنت می‌تواند به روابط میان دو کشور آسیب برساند.
در سرمقاله این روزنامه همچنین آمده است: "پشت آنچه که آمریکا آزادی بیان می‌نامد، طرح‌ریزی سیاسی پوچی نهفته است."
شیاویانگ در ادامه با طرح این سؤال که "ناآرامی‌های پس از انتخابات ایران چگونه اتفاق افتاد؟" می‌نویسد: "این [ناآرامی‌ها] اتفاق افتاد چرا

ناشی از خشونت طلبی و مردم‌سنیزی عده قلیلی از حاکمان قطعاً از بی‌تدبیری، بی‌کفایتی و بی‌لیاقتی برخی از ایشان است که تردید‌های جدی در افکار عمومی ایجاد کرده است و در آینده نه چندان دور تاریخ این تردید‌ها را روشن خواهد ساخت.
هموطنان عزیز

همه ما ایرانیان مسئولیت بسیار سنگینی بر دوش داریم. بباید همگان با هم هم قسم شویم که هر کس در هر جایگاهی که نقش ایفا میکند، در راستای خشونت زدایی و صلح طلبی گام بردارد.
ما ملتی صلح طلب هستیم که اکنون می‌بایست ناراضیاتی، انتقاد، مخالفت و اعتراض را با راهکارهای مدنی و با پرهیز کامل از هر گونه خشونت بی‌گیریم و در دام گسترده شده خشونت خواهان گرفتار نشویم.

باید باور داشته باشیم که مطالبات ملت حق است و ملت ایران برای به دست آوردن حق خود نیازی به استفاده از اهرم‌های خشونت آمیز ندارند و تنها کسانی دست به خشونت و عملیات کور کورانه می‌زنند که خود می‌دانند ناحق هستند.
جوانان آگاه و منظم

باید ممارست و مقاومت کرد و حتی در مقابل توپ و تانگ و گلوله، سنگ هم در دست نگرفت. راه رسیدن به عدالت و آزادی و دموکراسی و حقوق بشر راه گل‌گون می‌طلبند نه راه پر خون.
از همین روی کانون مدافعان حقوق بشر با ایمان به خواسته‌های مدنی و به حق ملت ایران اعلام

میدارد:
ما مدافعان حقوق بشر مخالف تداوم هر گونه خشونت در جامعه ایران و خواهان مقابله همگانی و ملی در برابر خشونت هستیم و مصرانه توقف خشونت را می‌خواهیم.

بنابراین در پیشگاه ملت سرافراز ایران و در این بیانیه می‌خواهیم:

ایران
ایران مسوولان محترم نظام جمهوری اسلامی ایران
بی‌شک جایگاه و نقش مسوولان در شکل‌گیری فردای ایران تردید ناپذیر است. آنچه از شما به عنوان حاکمان انتظار می‌رود تامین حقوق اساسی ملت ایران و رعایت عدالت است. اکنون نه تنها ملت ایران بلکه بسیاری در سراسر جهان چشم به کردار و گفتار شما دارند تا فردا به قضاوت بنشینند.
اصلاح سیاست‌های نادرست گذشته و حال و تمکین به اراده و خواست ملت از جمله وظایف قانونی شماست که اولین آن توقف خشونت علیه ملت است و در صورت تداوم سیاست‌های خشونت آمیز در مقابله با هموطنان خود و افکار عمومی بین‌المللی قرار خواهید گرفت.

برادران سپاه پاسداران و بسیج
در چنین شرایطی با شما سخن گفتن بسیار دشوار است. آنچه این روزهای سخت شاهد بودیم، دلیل این دشواری است. ملت ایران نیک به خاطر دارند که بسیاری از برادران سپاه و بسیج مدافع حقوق ملت در برابر زیاده‌خواهی و تهاجم دشمنان این سرزمین بودند. اما اکنون ناباورانه و چه سخت و سوگوارانه شاهدند که عده قلیلی از آن نیروی مردمی، آتش و تیر به روی ملت و هموطنان خود می‌کشایند و با شلیک هر گلوله‌ای جمعی از هموطنانشان را به عزا می‌نشانند.

ما مدافعان حقوق بشر از شما برادران سپاهی و بسیجی مردمی می‌خواهیم که برادران و خواهران